



# کمک دیاسپورا برای راه حل پایدار: افغان‌ها در اروپا

۱۵ نوامبر ۲۰۱۹، دفتر مرکزی معماری دنمارک، کپنهاگن

به کمک:

وزارت امور خارجه دنمارک  
همکاری توسعه  
بین المللی | **دانیدا**

**giz**

پروگرام دیاسپورا شورای  
مهاجرین دنمارک **DRU**

## مقدمه

این گزارش نتیجه کنفرانسی است که در اروپا، از جانب شورای مهاجرین دنمارک (DRC)، به منظور توزیع و بحث پیرامون گزارش «دیاسپورای افغان در اروپا: راهنمای مشارکت در دنمارک، آلمان، سویدن و انگلستان» دایر گردیده بود. این گزارش توسط مرکز تحصیلات ماستری حکومتداری ماستریخت (MGSOG) / دانشگاه سازمان ملل - میریت تهیه شده است. همچنین این گزارش درباره برخی مسایل اساسی مربوط به سازمان و موثریت دیاسپورای افغان در دست یافتن به انکشاف و کمک‌های بشردوستانه در کشورهای میزبان و خارج از آنها بحث می‌کند. با حمایت دنیا و GIZ، در این کنفرانس ۹۳ اشتراک‌کننده از ۱۱ کشور اروپایی و افغانستان در تاریخ ۱۵ نوامبر ۲۰۱۹ و در مرکز معماری دنمارک گرد هم آمدند.

این کنفرانس با هماهنگی ادارات مختلف به شمول IOM و GIZ دایر گردید که هر کدام، به ترتیب، تحقیقات تکمیلی و ورکشاپ‌هایی را تنظیم کرده‌اند. این کنفرانس به همراه کنفرانس انستیتوت وین برای دیالوگ و همکاری (VIDC) تحت عنوان «انتقال دانش و کمک: نقش دیاسپورای افغان در اروپا» (۲ الی ۳ دسامبر ۲۰۱۹)، به دنبال تضمین برگزاری پنل‌های تکمیلی پیرامون تمویل مالی، حقوق زنان، ادغام و آموزش مسلکی و علمی بود.

کنفرانس شامل دو قسمت بود. بخش اول، بر بررسی محتویات گزارش دیاسپورای افغان در اروپا و ارائه مسوده پالیسی ملی برای مشارکت دیاسپورا توسط حکومت افغانستان تمرکز داشت. این دو ارایه، در تهیه معلومات جدید و به‌روز درباره اوضاع عینی مکمل یکدیگر بودند و بر اهمیت دیاسپورا در اروپا و افغانستان تاکید داشتند و همچنین بحث درباره آینده مشارکت دیاسپورا را تسریع بخشیدند. بخش دوم کنفرانس شامل چهار پنل گفتگو درباره موضوعات گزارش بود؛ این پنل‌ها توسط پروگرام دیاسپورای شورای مهاجرین دنمارک، پلتفورم راه حل برای بیجاشدگان در افغانستان، و چاتم هاوس مدیریت شدند. اعضای پنل‌ها شامل رهبران سازمان‌های دیاسپورای افغان و سازمان‌های جامعه مدنی افغانستان بودند. موضوعات پنل‌ها شامل این موارد بودند: دادخواهی موفق از حقوق پناهندگان افغان، تقویت مشارکت دیاسپورا در فعالیت‌های بشردوستانه و انکشافی، پیشبرد همکاری ملی و اروپایی، و کمک‌های دیاسپورا به گردهمایی جهانی پناهندگان. این کنفرانس، پلتفورمی برای گفتگو و شبکه‌سازی مؤثر فراهم ساخت که برای پیشبرد برنامه‌ریزی آتی دیاسپورای افغان به کار گرفته خواهد شد. البته هنوز موانعی هستند که باید از میان برداشته شوند تا دیاسپورای افغان به صدایی واحد و مؤثر در سطح ملی و اروپایی دست یابند.

## فهرست مخففات

ADO	سازمان دیاسپورای افغان	GRF	گردهمایی جهانی پناهندگان
ADSP	پلتفورم راه حل‌های پایدار آسیا	IOM	سازمان بین‌المللی مهاجرت
ANDEP	پالیسی ملی افغانستان برای مشارکت دیاسپورا	MoRR	وزارت مهاجرین و عودت‌کنندگان افغانستان
CSO	سازمان محلی مردمی	MGSOG	مرکز تحصیلات ماستری حکومتداری ماستریخت
DRC	شورای مهاجرین دنمارک	MMC	مرکز مهاجرت مختلط
GCM	موافقه جهانی مهاجرت	NGO	سازمان غیر دولتی
GCR	موافقه جهانی پناهندگان	UN	سازمان ملل
VIDC	انستیتوت وینا برای دیالوگ و همکاری		

نظریات بیان‌شده در گزارش را نباید به شورای مهاجرین دنمارک، GIZ و / یا دنیا نسبت داد. محتویات این گزارش تنها خلاصه‌ای از اقدامات و بحث‌های مطرح‌شده در جریان کنفرانس است. از ارایه نظرات درباره این گزارش استقبال می‌شود و می‌توان آنها را به بخش مشارکت جامعه مدنی شورای مهاجرین دنمارک فرستاد. این نظریات را می‌توانید به آدرس ادرین بوری {adrien.bory@drc.ngo} بفرستید. عکاس: جمیل غفوری

# پیشنهادات

ضرورت همکاری با دیاسپورا و سازمان‌های دیاسپورا به طور گسترده و مکرر از سوی دولت افغانستان، دول اروپایی، سازمان‌های غیر دیاسپورا (ملی و بین‌المللی) و همچنین در درون خود دیاسپورا مطرح گردید. بطور خاص، اشتراک‌کننده‌گان و اعضای پناهنده‌ها بر ضرورت حضور و اشتراک پناهندگان و دیاسپورا در فوروم‌های مهم پالیسی و دادخواهی تأکید داشتند. نمایندگی دایم و شایسته به عنوان بنیانی برای همکاری قوی‌تر میان دیاسپورا تلقی گردید تا به کمک آن، بتوان به صدایی هماهنگ و عملی واحد در مورد مسایل کلیدی مربوط به دیاسپورا، به شمول حمایت‌های اساسی و تقویت ادغام، دست یافت. در این مورد، بنا بر تنوع دیاسپورا، باور بر این بود که بحث درباره مسایل اساسی که به یک نحو بر قومیت‌های مختلف، نسل‌ها، جنسیت‌ها و اعضا با مذاهب مختلف اثر می‌گذارد، باید در اولویت قرار گیرند تا مسایل مشترکی که دیاسپورا می‌تواند گرد آن جمع شده و متحد گردند، شناسایی گردد. پیشنهادات خاص مربوط به موضوعات کنفرانس در زیر آمده‌اند:

## تقویت دادخواهی برای مهاجران (به شمول پناهجویان) در اروپا

- اتحاد میان سازمان‌های دیاسپورای افغان امری ضروری است تا به یک صدای واحد برای ارتقای حمایت از حقوق اساسی دست یابند. تلاش‌های مشترک جهت دادخواهی که از تجارب و تخصص‌های متنوع در درون و فراتر از دول اروپایی و همچنین آنانی که در حوزه مسایل مربوط به عودت در افغانستان کار می‌کنند، موثریت ابتکار عمل‌های موجود را ارتقا خواهند بخشید.
- سازمان‌های دیاسپورای افغان باید با سازمان‌های مختلف هم‌فکر در کشورهای میزبان و دیگر کشورهای اروپایی که مسایل مشابهی را دنبال می‌کنند، برای دادخواهی همکاری نمایند.
- در کنفرانس‌های مهمی که حول دیاسپورا، پناهجویان و مهاجرت در اروپا تشکیل می‌شوند، پناهندگان و دیاسپورا عموماً اشتراک داده نمی‌شوند. سازمان‌های بین‌المللی و سازمان‌های غیر دولتی باید برای دادخواهی از حقوق و تامین پلتفورمی برای شمول صدای دیاسپورا در این کنفرانس‌ها، در هر جایی که ممکن است، از هیچ تلاشی دریغ نکنند.
- در خصوص پناهجویانی که درخواست پناهندگی شان رد شده است، دولت افغانستان باید پیش از آنکه در خصوص عودت‌های اجباری با دول اروپایی وارد مذاکره شود، از سازمان‌های دیاسپورای فعال در حمایت از این پناهجویان مشورت بگیرد.
- پیام‌های دادخواهی هم باید بر روایت‌های مثبت از چگونگی کمک افغان‌ها به جامعه میزبان و غلبه آنها بر موانع در راستای استقرار زندگی بهتر برای خود و فرزندان‌شان تمرکز کنند.
- پیام‌ها درباره مسایل «منفی» باید واضح و متمرکز بر مسایلی باشند که قابلیت حمایت بیشتر را داشته باشند به شمول تعیین خطوط قرمز برای عودت‌های اجباری اطفال، کسانی که هرگز در افغانستان زندگی نکرده‌اند و آنانی که ناتوانی‌ها و آسیب‌پذیری‌های خاص دارند (پیران، مریضان، یتیمان و غیره).

## تقویت مشارکت دیاسپورا در فعالیت‌های

### انکشافی و بشردوستانه در افغانستان

- در مورد برنامه‌ریزی در افغانستان، هماهنگی چندانی بین سازمان‌های دیاسپورای افغان و بین این سازمان‌ها، سازمان‌های بشردوستانه و دولت افغانستان وجود ندارد. سازمان‌های دیاسپورای افغان، به جای راه‌اندازی پروژه‌های جدید، باید پیوستن به ابتکارات موجود و بالا بردن کمیت و کیفیت آنها را در نظر بگیرند زیرا این امر، اثربخشی منابع محدود را بالا خواهد برد.
- اختلافات در اجتماع دیاسپورا (مثلاً اختلافات قومی، نسلی و غیره) موانعی بر سر راه همکاری هستند. سازمان‌های دیاسپورای افغان برای حفظ گفتگو مؤثر در میان خود، باید بر اهداف مشترک تکنیکی یا کیفیت‌محور تمرکز کنند.
- تشکیل سازمان‌های چتر یا دیگر میکانیزم‌های هماهنگی به عنوان یکی از جوانب کلیدی تضمین ادامه تلاش‌ها شناخته شد.

## بهبود همکاری دیاسپورا در سطح ملی و اروپایی

- هماهنگی باید بر ابتکارات کوچکی استوار باشد که سازمان‌های هم‌فکر را گرد هم آورده و فرصت افزایش عضویت و حوزه فعالیت‌ها را فراهم بیاورد.
- عدم شفافیت پیرامون موضوعاتی که به تعریف نیاز دارند (بطور مثال، سازمان چتر، شبکه، هماهنگی)، باعث فقدان بیشتر گفتگوهای مؤثر در مورد آینده یک دیاسپوای هماهنگ می‌گردد. توافق در مورد ترمینولوژی و تمرکز اصلی چنین ساختارهایی به گفتگوها و مباحثات مؤثرتر کمک خواهد کرد.
- سازمان‌های افغان باید با سازمان‌های دیاسپورای دیگر (مثل سومالیا) و مجموعه‌های هماهنگ‌کننده در ارتباط باشند تا شیوه‌های مختلف همکاری را فهمیده و از موفقیت‌های آنها بیاموزند.
- عدم آگاهی و ظرفیت در کار با میکانیزم‌های تمویل مالی یکی از موانع اساسی برای برنامه‌ریزی مؤثر و پایدار است.
- در مباحثات مربوط به هماهنگی‌های آینده، به خاطر جزئیات مطرح در گفت‌وگوها و حساسیت بعضی موضوعات، از تسهیل‌کنندگان بیرونی استفاده شود تا اصل بی‌طرفی رعایت و حمایت گردد.
- در درازمدت، یکی از خدمات اساسی یک سازمان چتر می‌تواند فراهم کردن فرصت‌های مربوط به کمک مالی و دسترسی به حمایت‌های لازم برای ارتقای ظرفیت و جلوگیری از رقابت‌های غیر ضروری بر سر منابع باشد.

## نقش دیاسپورا در حمایت از گردهمایی جهانی پناهندگان

- سازمان‌های تسهیل‌کننده، به شمول شورای مهاجرین دنمارک، باید میکانیزمی را جهت پخش متواتر معلومات درباره پروسه‌های گردهمایی جهانی پناهندگان و فرصت‌های آن برای مشارکت دیاسپورا برقرار سازند.
- سازمان‌های تسهیل‌کننده، به شمول شورای مهاجرین دنمارک، باید از طریق مشوره‌ها و در صورت امکان مشارکت مستقیم، باید به اشتراک دیاسپورا پروسه گردهمایی جهانی پناهندگان ادامه دهند.
- سازمان‌های دیاسپورای افغان باید بر پیمان‌های غیر تعهدآوری که توسط دولت‌ها تصویب می‌شوند، نظارت کنند و در مورد میزان پیروی از این پیمان‌ها گزارش بدهند تا مسئولیت‌پذیری و تحرک و اقدام بیشتر تضمین گردد.
- فرصت‌های مربوط به کار و دادخواهی جمعی میان سازمان‌های دیاسپورای محلی، ملی و بین‌المللی و دیگر سازمان‌های هم‌فکر باید پس از کنفرانس شناسایی و ذینفعان مربوطه شریک گردد.

## راه پیش رو

- باید مطالعات بیشتری درباره دیاسپورا در کشورهای فرانسه و اتریش و همچنین دیگر جمعیت‌های دیاسپورای افغان بر مبنای گزارش دیاسپورای افغان در اروپا صورت گیرد.
- اشتراک‌کننده‌گان کنفرانس به طور گسترده از برگزاری نشست‌های دیگر حمایت کردند تا اینگونه، فرصت حفظ اقدام و تمرکز بر مسایل کلیدی ذکرشده در گزارش دیاسپورای افغان فراهم آید. این نشست‌ها بهتر است شامل دولت‌های ملی میزبان و خاستگاه نیز باشد تا آگاهی از مسایل اساسی تضمین گردد.
- پروگرام دیاسپورای شورای مهاجرین دنمارک باید تنظیم کنفرانس‌های تعلیمی بین دیاسپورای افغان و دیگر گروه‌های دیاسپورا را که در راستای هماهنگی پیشرفت چشمگیری داشته‌اند، تحت غور و بررسی قرار دهد. رویدادهای شبکه‌سازی در میان گروه‌های دیاسپورا نیز فرصت هماهنگی در مورد مسایل مورد علاقه گروه‌های متعدد را فراهم می‌کنند مثل حمایت و تقویت دفاع از پناهجویان در اروپا.





UNHCR  
DRC  
REFUGEE  
COUNCIL  
CASPOKA  
PROGRAMME

**H.E DR. ALEMA**

Deputy Minister

Ministry for Refugees and Repatriations,  
(Afghanistan)

## ملاحظات آغازین

### محترمه داکتر عالمه، معین وزارت مهاجرین و عودت‌کننده‌گان افغانستان

داکتر عالمه در ابتدا از شورای مهاجرین دنمارک برای تنظیم کنفرانس و همچنان از نماینده‌گان سازمان‌های دیاسپورا به خاطر اشتراک‌شان اظهار امتنان نمود. وی اظهار داشت که در اثر چهل سال جنگ در افغانستان و نیاز مداوم کسانی که به خاطر تهدیدهای موجود به دنبال فرصت در جاهای دیگر بوده‌اند، مهاجرت در فرهنگ افغان‌ها عمیقاً جای گرفته است. در حالی که دولت و وزارت مهاجرین و عودت‌کننده‌گان به طور خاص تلاش ورزیده‌اند که از بیجا شدن اجباری و همچنین عودت‌های اجباری جلوگیری به عمل آید، اغلب اوقات فشارهای داخلی و خارجی این پالیسی‌ها را با چالش مواجه می‌سازند. علاوه بر مدیریت مسأله بیجا شدن و عودت‌ها، این وزارت بر جوانب مثبت مهاجرت نیز تمرکز دارد؛ به شمول اینکه آن عده از افغان‌هایی که به طور دایم در خارج از افغانستان مقیم شده‌اند، چگونه می‌توانند به بهبود وضعیت آنهایی که در افغانستان باقی مانده‌اند، کمک کنند. داکتر عالمه، مسوده پالیسی ملی افغانستان برای مشارکت دیاسپورا معرفی کرد که در جلسه بعدی، توسط مشاور ارشد دیوید مجید ارایه خواهد گردید. داکتر عالمه بر اهمیت کمک‌های دیاسپورا که تاکنون در خارج از چوکات رسمی صورت می‌گیرند، به شمول مبالغ ارسالی از جانب دیاسپورا و همچنان تبادلات اجتماعی و فرهنگی اشاره نمود. او از کمک افغان‌های متخصص استقبال نمود که به طور دایم یا موقت به افغانستان برگشته‌اند و در خدمات عامه کار می‌کنند، تجارت‌شان را آغاز نموده یا مهارت‌های تکنیکی خود را در اختیار شفاخانه‌ها و دانشگاه‌ها قرار می‌دهند. در حالی که افغانستان به یک موافقتنامه صلح نزدیک می‌گردد، داکتر عالمه بر اهمیت نقش سازمان‌های محلی و بین‌المللی در تطبیق صلح دایمی اشاره نمود و اضافه کرد که دیاسپورا نباید از چنین روندی جدا باشد. صلح به معنای فضای بیشتر برای سازمان‌های دیاسپورا، توریزم، سرمایه‌گذاری تجاری و عودت‌های موقت و دایمی، به خصوص برای اشخاص مسلکی، خواهد بود. ایشان بر موقف بی‌نظیر دیاسپورا در دادخواهی برای حمایت از حقوق زنان تاکید ورزیدند و اضافه کردند که زنان مستحق فرصت برای کمک‌های برابر به جامعه هستند. دیاسپورای افغان به کمک‌های خود در عرصه‌های ورزش، رسانه‌ها و هنر ادامه خواهد داد که این امر، به ارایه تصویری مثبت از کشور منجر خواهد شد. داکتر عالمه در پایان اظهارات خویش، آرزوی گفتگوهای موثر و ثمر بخش در مذاکرات صلح افغانستان نمود.

### پیتر کلانزو، رییس بخش پروگرام، شورای مهاجرین دنمارک

پیتر کلانزو سخنان خود را با ابراز تشکر از داکتر عالمه و خوشامدگویی به اشتراک‌کننده‌گان آغاز نمود. او سپس اشاره نمود که چطور شاهد قدرت دیاسپورا در دنمارک در راستای دفاع از حقوق اجتماعات‌شان هم در وطن و هم در خارج بوده است. با در نظر داشت تجربه اخیر از دیاسپورای سومالی، وی اظهار داشت که نفوذ و قدرت دفاع و دادخواهی آنها از شور و علاقه‌شان نسبت به دنمارک و سومالیا، هر دو، نشات می‌گرفت و همچنین بر قابلیت و توانایی دیاسپورا به عنوان یک عامل مهم تغییر در کشورهای خاستگاه‌شان تاکید کردند. پیتر کلانزو همچنین به تنش و فشار موجود در کار با دیاسپورا اشاره نمود. او اظهار داشت که شورای مهاجرین دنمارک در کشورهای بسیاری کار می‌کند که در آنجا، خطر تروریسم داخلی و فراملی جدی است؛ مبالغ ارسالی می‌توانند منبع مهمی برای اجناس مورد نیاز و منبع مالی حیاتی تجارت، تحصیل و نیازهای روزانه برای اعضای فامیل باشند؛ اما، به همین نحو، می‌توانند فعالیت‌های منفی را تمویل کنند. به این مفهوم، بعضی فعالیت‌های دیاسپورا می‌تواند برای کشورهای خاستگاه و کشورهای میزبان جنبه تخریبی داشته باشد. این فعالیت‌ها می‌توانند برای کل دیاسپورا که از محیط محدود سیاسی و مالی رنج می‌برند، مخرب باشد (بطور مثال، پالیسی‌های بانکداری). باید بپذیریم که این حقیقت مانع مشارکت دیاسپورا می‌شود و از همکاری شرکا با دیاسپورا نیز جلوگیری می‌کند. پیتر کلانزو به گزارش سالانه مرکز مهاجرت مختلط (۲۰۱۹) تاکید کرد که به تغییرات جمعیتی و اقتصادی در نتیجه الگوهای مهاجرت جهانی نگاه می‌کند. این گزارش نقش مهاجرت در کمک به تقویت نفوس‌های رو به کاهش در جهان شمال و همچنین رشد اقتصادی آن را بررسی می‌کند؛ ولی با این حال، مهاجرت تشویق نمی‌شود. این امر را می‌توان در افزایش پالیسی‌های کنترل مرزی و محدودیت مهاجرت دید. ایشان اظهار داشت که دیاسپورا می‌تواند به تصویرسازی الگوهای مهاجرت جهانی و نشان دادن جوانب مثبت مهاجرت کمک کند و همچنین از کاهش دادن نتایج منفی حمایت نماید؛ به هر حال، چشم‌انداز دیاسپورا برای آینده و اینکه چگونه می‌تواند به رفاه جهانی کمک کند، برای پی بردن به این قابلیت ضروری است. پیتر کلانزو خاطر نشان ساخت که پالیسی مشارکت دیاسپورا یک آغاز مثبت است ولی یک پالیسی تکمیلی از سوی دولت دنمارک و دیگر دول اروپایی می‌تواند

ارزش بسیار بیشتری به این پالیسی بدهد؛ پالیسی‌ای که معرف دیدگاه و رویکرد استراتژیک دنمارک نسبت به ارزش مشارکت سازنده و موثر دیاسپورا باشد و به تسهیل و حمایت از آن متعهد باشد. همچنین واضح گردید که دیاسپورا برای حصول این اهداف، باید رویکردی استراتژیک‌تر در کار با یکدیگر داشته باشند.

## دیاسپورای افغان در اروپا: راهنمای مشارکت در دنمارک، آلمان، سویدن و بریتانیا

**میلیسا سیگل، پروفیسر مطالعات مهاجرت، دانشگاه ماستریخت و سازمان ملل - میریت**

پروفیسر میلیسا سیگل مسئولیت رهبری تیمی را بر عهده داشت که گزارش «دیاسپورای افغان در اروپا: راهنمای مشارکت در دنمارک، آلمان، سویدن و بریتانیا» را تهیه نمود. کنفرانس امروز بر پایه همین گزارش برگزار شده است. شناسایی سازمان‌های دیاسپورای افغان، تعیین سطح مشارکت آنها در مجموعه‌ای از موضوعات برنامه، و تشخیص چالش‌ها و فرصت‌های مشترک برای مشارکت بیشتر، از اهداف این تحقیق بودند. پروفیسر سیگل بر اهمیت فهم نیازهای ظرفیت سازمان‌ها برای اراییه پیشنهادات مربوط و موثر جهت مشارکت بیشتر تأکید کرد.

پروفیسر سیگل سخنان خود را با تأکید بر تنوع درون دیاسپورا از لحاظ قومیت، پیوندها یا دیدگاه‌های سیاسی، زمان رسیدن به اروپا، نسل، و باورهای مذهبی آغاز نمود. در دنمارک، اختلافات بین دیاسپورای افغان واضح بودند، اما به طور خاص در امتداد خطوط نسلی؛ جایی که احتمال می‌رود جوانان، ادغام در جامعه دنمارکی را به عنوان یک هدف اساسی خود می‌بینند. آلمان بزرگ‌ترین جمعیت دیاسپورای افغان در اروپا را در خود جای داده است، هرچند در میان آنانی که از دهه ۱۹۷۰ الی ۱۹۹۰ به آنجا رسیده‌اند و آنانی که در سال‌های اخیر آمده‌اند، تفاوت‌های اقتصادی و اجتماعی بارز به مشاهده





می‌رسد. دیاسپورا در آلمان نیز به طور منحصربفردی در انزوا قرار دارد و به جای مشارکت فرادیاسپورایی خارج از فامیل، بر ادغام در جامعه میزبان تمرکز دارد. در سویدن، اختلافات قومی با زمان رسیدن اعضای دیاسپورا به این کشور همسو است و آنانی که در سال‌های اخیر رسیده‌اند، غالباً هزاره‌هایی هستند که از ایران مهاجرت کرده‌اند. سویدن همچنین از این لحاظ برجسته است که تقریباً ۵۰ فیصد کسانی که اخیراً به این کشور رسیده‌اند، کودکان پسر بدون همراه هستند. بریتانیا جمعیت قابل توجه و متنوعی از دیاسپورای افغان را در خود جای داده است که به لحاظ هنجارهای اجتماعی، برخورد‌های فرهنگی روزافزونی بین دیاسپورای نسل اول و دوم را تجربه می‌کند.

در مرحله شناسایی، ۴۶۲ سازمان دیاسپورای افغان در دنمارک (۹۶)، آلمان (۱۲۹)، سویدن (۱۳۳) و بریتانیا (۱۰۴) شناسایی شدند. اکثریت این سازمان‌ها بین سال‌های ۲۰۱۰ و ۲۰۱۶، بعد از مهاجرت کلان افغان‌ها به دنبال خروج قسمت اعظم نیروهای بین‌المللی از افغانستان تشکیل شدند. به اظهار پروفیسر سیگل، شمار سازمان‌های دیاسپورای افغان بر حسب کشور با جمعیت دیاسپورای افغان در آن کشور مطابقت ندارد؛ در آلمان، جمعیت دیاسپورای افغان حدود ۵ برابر جمعیت آنها در سویدن است، ولی شمار سازمان‌های دیاسپورای افغان در آلمان کمتر می‌باشد. ایشان با اشاره به مشارکت سازمان‌های افغان بر اساس سکتور فعالیت در هر کشور، اظهار داشت که سطح فعالیت هر سازمان دیاسپورای افغان در کشورهای مورد بررسی، بنا بر نیازها، فرصت‌ها و ویژگی‌های جمعیت دیاسپورا از یکدیگر متفاوت است. به طور مثال، ادغام افغان‌ها در اجتماعات میزبان در سویدن (۷۴٪) و بریتانیا (۴۲٪) غالب‌تر است تا آلمان (۲۲٪) و دنمارک (۱۷٪). در حالی که کل اعضای دیاسپورا گزارش داده‌اند که همچنان حوادث افغانستان را تعقیب می‌کنند، این تحقیق میزان مشارکت متفاوتی را در فعالیت‌های انکشافی و بشردوستانه یافت: سازمان‌های دیاسپورای افغان در آلمان و بریتانیا در این راستا پیش قدم هستند (۶۳٪ و ۴۰٪ به ترتیب) در مقایسه با سازمان‌های موجود در سویدن (۷٪) و دنمارک (۱۹٪).

پروفیسر سیگل تأکید ورزید که اختلافات درونی دیاسپورا بر اساس قومیت، عقاید سیاسی، نسل، زمان رسیدن به اروپا و باورهای مذهبی، بزرگ‌ترین چالشی است که سازمان‌های دیاسپورای افغان با آن مواجه هستند؛ که بدینگونه، سبب محدود شدن اشتیاق به هماهنگی و همکاری بین آنها می‌گردد. چالش‌ها در راستای ظرفیت‌سازی و مشکلات در دسترسی به منابع تمویل‌کننده، در کنار محدودیت برای کار در افغانستان به خاطر مجموعه موانعی همچون عدم امنیت، مشکلات بیروکراتیک و دلایل اجتماعی، به عنوان مسایل کلیدی مطرح شدند. برای پرداختن به این چالش‌ها، این گزارش چندین پیشنهاد ارائه کرده است. نخست، در میان دیاسپورای افغان باید ضرورت اتحاد اجتماعی تقویت گردید و جوانان برای اشتراک در فعالیت‌های این سازمان‌ها تشویق گردند. جوانان می‌توانند در غلبه بر بسیاری از اختلافات سنتی نقش مهمی را ایفا نمایند، گرچه این امر نیازمند تغییر در شیوه کار است. به اظهار پروفیسر سیگل، هر چند نیاز به میکانیزم‌های رسمی هماهنگی امری کاملاً واضح است، این میکانیزم‌ها باید از سطح خرد شروع به کار نمایند و بر موفقیت‌هایی که پیشتر از این شناسایی شده‌اند استوار گردند و بر تقویت چالش‌های شناسایی شده مثل انکشاف ظرفیت، تمویل مالی و دادخواهی تمرکز کنند.

در جریان گفتگو اشتراک‌کنندگان نسبت به اختلافات در درون اجتماع دیاسپورا که موثریت فعالیت‌های سازمان‌های دیاسپورای افغان را تحت تأثیر قرار می‌دهند، اظهار تأسف کردند و در عین حال، بر واقعیت این چالش خاص صحه گذاشتند. پروفیسر سیگل اظهار داشت که جوانان، در قیاس با نسل‌های بزرگسال، قابلیت و اراده بیشتری برای غلبه بر موانع قومی دارند، هر چند بسیاری از این جوانان - مخصوصاً نسل دوم - در ایجاد موازنه بین نظریات و آرمان‌های والدین‌شان از یک سو و باورهای خود از سوی دیگر با دشواری‌هایی روبه‌رو هستند. ایشان اشاره کردند که سازمان‌هایی که در دهه‌های قبلی تأسیس گردیده‌اند باید به سرعت و با رویکردی باز جوانان و شیوه‌های جدید کار را در خود بپذیرند، در غیر آن ممکن است نتوانند در درازمدت دوام بیاورند. در مورد تضمین ارتباط داشتن فعالیت‌ها و شیوه‌های کار، یکی از اشتراک‌کنندگان پرسید که آیا تمرکز بر فعالیت‌های مربوط به فرهنگ و ادغام ناشی از شرایط تمویل مالی بوده است یا نه. پروفیسر سیگل تصدیق نمود که تمویل مالی می‌تواند یک عامل باشد، اما سیل تازه از راه‌رسیده‌ها نیز سبب خلق تقاضای ناگهانی برای چنین فعالیت‌هایی شد. چند تن از اشتراک‌کنندگان به ضرورت شامل ساختن چند کشور اروپایی دیگر در این تحقیق، که میزبان جمعیت قابل توجه دیاسپورای افغان هستند، اشاره کردند به شمول اتریش و فرانسه.<sup>۱</sup>

1 اخیراً سازمان بین‌المللی مهاجرت (IOM) تحقیقی مشابه را انجام داده که کشورهای هلند، کانادا و ایالات متحده آمریکا را تحت پوشش قرار داده و به زودی به نشر می‌رسد.







## مسوده پالیسی ملی افغانستان برای مشارکت دیاسپورا افغان (ANDEP)

### دیوید مجید، مشاور ارشد وزارت مهاجرین و عودت‌کنندگان

دیوید مجید در شروع جلسه اذعان نمود که حکومت افغانستان، دیاسپورای افغان را به حیث شرکای خود در انکشاف کشور می‌شناسد و در واقع، پالیسی ملی افغان برای مشارکت دیاسپورا انعکاس دهنده همین واقعیت است. ایشان به اشتراک‌کنندگان یادآور شد که پالیسی در حال حاضر به شکل مسوده ترتیب شده و متن نهایی تصویب‌شده آن در جریان مدت ۱۰ سال تطبیق، به روی هر گونه اصلاح و تعدیل بر اساس پیشرفت شرایط زمینه‌ای باز خواهد ماند. ANDEP دارای چهار بخش و ۱۳ فصل می‌باشد که دیوید مجید، در مورد هر بخش صحبت کرده و نکات اساسی هر کدام را برای بحث برشمرد.

بخش اول ANDEP بر توضیح تعاریف و اهداف پالیسی تمرکز دارد. ANDEP فهمی بسیار لیبرال از دیاسپورا دارد: دیاسپورا ۷ نسل را در برمی‌گیرد که در خارج از کشور به دنیا آمده‌اند، فارغ از شهروندی آنها. اهمیت وضع باثبات امنیتی در افغانستان، نمایندگی مثبت از افغانستان در خارج از کشور و احترام به تنوع و غنای فرهنگ افغانستان به عنوان اهدافی ذکر شدند که مشارکت بیشتر دیاسپورا را تشویق می‌کنند و اینگونه فرصت‌های بیشتری برای رشد و سرمایه‌گذاری اقتصادی خلق می‌نمایند. این پالیسی اهمیت مبالغ‌ارسالی را می‌پذیرد و به دنبال آن است که موانع و هزینه‌های ارسال پول از طریق کانال‌های رسمی را تقلیل دهد. ایشان تأکید کرد که مسایل قومیت، جنسیت و مذهب از موضوعات اساسی تلقی نمی‌شوند و اینکه، ANDEP تنوع، شمولیت، مالکیت و گفت‌وگو را به حیث ارزش‌های اصلی خود برگزیده است. به اظهار دیوید مجید، کار کردن با دیاسپورا در گذشته چالش‌برانگیز بود زیرا این کار مستلزم مشارکت تمامی وزارت‌ها (به طور مثال، وزارت صنعت، وزارت معارف، وزارت صحت) بود. این امر یکی از اصول کلیدی رویکرد راه پیش رو خواهد بود. درک وضعیت کنونی دیاسپورا اساس این پالیسی را تشکیل می‌دهد؛ به این ترتیب، بخش دوم به توضیح فهم کنونی دولت افغانستان اختصاص داده شده است. دیوید مجید تأکید داشت که اکثریت دیاسپورای افغان در حال حاضر در آسیا زندگی می‌کنند، مخصوصاً در ایران و پاکستان؛ اما جمعیت‌های چشمگیر دیگری هم در امریکای شمالی و اروپا زندگی می‌کنند و از اهمیت بسیاری برخوردارند (مثلاً ایالات متحده امریکا و آلمان). در رابطه با گفت‌وگوهای کلی کنفرانس، بر نقش سازمان‌های مستقل دیاسپورا و همچنین سازمان‌های چتر تأکید به عمل آمد. در مورد ابتکارات دیگر به شمول صدور کارت‌های دیاسپورا از جانب دولت برای تسهیل سفر و تجارت و همچنین حقوق رأی‌دهی درازمدت هم اشاره‌هایی شد.

بخش سوم، قسمت اساسی پالیسی مشارکت دیاسپورا است زیرا بر قدم‌های مختلفی که دولت افغانستان بر اساس این پالیسی خواهد برداشت، تأکید می‌کند. دیوید مجید، بر اهمیت پیشرفت اقتصادی از طریق سرمایه‌گذاری دیاسپورا و تجارت‌های متمرکز بر افغانستان (مثل شرکت‌های مسافرتی) تأکید ورزید. ایشان همچنین با توضیح بیشتر در این باره، تصدیق نمودند که پروژه‌های توسعه اقتصادی که از طرف جامعه دیاسپورا به راه انداخته شده‌اند، برای پیشرفت اقتصادی افغانستان مهم می‌باشند. این امر طبیعتاً به قدم دوم پالیسی انجامیده است، یعنی بهبود شبکه‌های ارتقای ظرفیت که بطور خاص به کمک‌هایی اشاره دارد که از طرف متخصصین شایسته و ماهر در خارج ارایه می‌گردد. دیوید مجید بر اهمیت ارتقای مهارت‌های آن گروه از متخصصین متقاعد تأکید نمود که شاید علاقه برای اقامت‌های کوتاه یا درازمدت در افغانستان داشته باشند تا جوانان را آموزش دهند. بخش‌های سوم و چهارم پالیسی به اهداف دادخواهی مربوط می‌شوند و بر ارتقای تصاویر مثبت از افغانستان در خارج تمرکز دارند، در حالی که اهداف مشارکت فرهنگی نیز نیازمند مشارکت مثبت در سپورت، هنر و رسانه‌ها می‌باشند. در اخیر جلسه، قسمت چهارم ANDEP تحت بررسی قرار گرفت؛ این بخش بر تطبیق پالیسی و مشارکت مداوم با دیاسپورا تمرکز داشت. اهمیت گفت‌وگوی پیوسته و ایجاد فرصت‌های طبیعی برای مشاوره و همکاری نیز مورد تأیید قرار گرفتند.

اعضای حاضر در کنفرانس از اقدامات اتخاذ شده استقبال نمودند و تأکید ورزیدند که دیاسپورا نیز باید گام‌هایی را در جهت سازماندهی خود در خارج از چارچوب میکانیزم‌های دولت بردارند. برخی اظهار داشتند که این پلان بسیار بلندپروازانه است و مدت ۱۰ سال برای تحقق اهداف آن مناسب خوانده شد. یک تن از اشتراک‌کنندگان اظهار داشت که، اختلافات همانطوری که در میان خود اعضای دیاسپورا وجود دارد، بین دیاسپورا و افغان‌ها در افغانستان نیز مشاهده می‌شود. بطور

خاص، برخی از اعضای حاضر باور داشتند آنانی که در طول دوران جنگ در افغانستان باقی ماندند، همیشه پذیرای بازگشت دیاسپورا نیستند یا بدان اعتماد کافی ندارند. به خاطر محدودیت‌های زمان و علاقه زیاد به ANDEP، یک جلسه فرعی برای حمایت از برنامه مشارکت دولت - دیاسپورا در نظر گرفته شد. خلاصه‌ای آن جلسه در ضمیمه ۱ موجود است.

## بحث گروهی: دادخواهی موفق از حقوق پناهندگان افغان

### تسهیل کننده: انا شتاین، هماهنگ کننده، پلتفورم آسیا برای حل مسأله بیجاشده‌گان

اشتراک کننده‌گان در مباحثه: کوا سپارتاک، رئیس تنظیمات، YAAR [آلمان]؛ رشاد جلالی، افسر پالیسی، شورای اروپایی برای پناهندگان و تبعید شده‌گان (ECRE)، [بلجیم]، عبدالغفور رفیعی، رئیس و مؤسس سازمان کمک رسانی و مشوره‌دهی برای مهاجرین افغان [افغانستان]؛ فریده احمدی، عضو بورد فدراسیون سازمان‌های پناهندگان افغان در اروپا (FAROA) [ناروی].

### نکات مهم

- سازمان‌های دیاسپورا می‌توانند راجع به مهاجرت و برگشت، بازخورد مؤثری به دولت افغانستان و دول اتحادیه اروپا ارائه نمایند.
- برای دفاع بهتر از نیازهای تمام اجتماع افغان، وحدت و همبستگی میان سازمان‌های دیاسپورا ضروری است. تنوع تجارب مسلکی نشان می‌دهد که منابع سرشار بشری موجود است، ولی از این منابع به صورت موثر استفاده نشده است.
- تمرکز بر سوءاستفاده‌ها و دفاع «منفی» یک امر معمول است، اما باید بر کمک‌های مثبت اجتماع افغان تمرکز شود تا روایت‌های غالب تغییر یابند.

انا شتاین جلسه را با ذکر موانعی آغاز کرد که افغان‌ها در راه دسترسی به حقوق‌شان در اروپا با آنها مواجه هستند. بعد از آن، او از رشاد تقاضا نمود تا بطور خلاصه پالیسی‌های پناهندگی در اروپا را تشریح نماید. رشاد توضیح داد که بعد از سال ۲۰۱۵، افزایش سریع در رقم مهاجرین موجب گردید که بعضی پالیسی‌ها نیز تغییر یابند و بر «بیرونی‌سازی» مسأله مهاجرت تمرکز کنند (مثلاً سیاست‌های پس زدن مهاجران، توقیف مرزی و مشروط‌سازی کمک‌های انکشافی). توافقنامه‌های غیررسمی (یعنی بدون نظارت پارلمان اروپا) با کشورهای ثالث برای بازگشت اجباری پناهجویانی در حال افزایش هستند در حالی که دیگران توافقنامه‌هایی با افغانستان برای پذیرش مجدد پناهجویانی امضا کرده‌اند که درخواست پناهندگی‌شان رد شده است. نرخ‌های اعطای پناهندگی برای افغان‌ها در کشورهای اروپایی یکسان نیست و بعضی دولت‌ها فقط حمایت فرعی ارائه می‌دهند (یعنی بدون هیچ حق الحاق خانواده یا حق تابعیت). اعضای پنل توافق داشتند که پالیسی مهاجرت و تصمیم‌گیری به خاطر قوانینی که در سطح اروپا طرح شده‌اند، فاقد شفافیت است اما تخطی‌ها در سطح ملی صورت می‌گیرد. کاوا سپارتاک بر همین مسأله تأکید داشت و خاطر نشان ساخت که YAAR در تلاش کمک‌رسانی برای پناهجویان بوده است اما پروسه تصمیم‌گیری قضیه‌های پناهندگی به گونه‌ای مدیریت می‌شود که «گو یا یک لایتری برقرار است». در رابطه با قضیه‌های ناموفق، عبدالغفور رفیعی اشاره کرد که عودت‌های اجباری بعد از امضای «موافقتنامه مشترک راه پیش رو» به شکل چشمگیری افزایش یافته است، ولی حمایت از این افراد محدود به مبلغ ۱۲۵۰۰ پول افغانی برای هر نفر است. وی اظهار داشت که هر چند مقداری حمایت مالی بهتر از عدم حمایت است، اما بسیاری از عودت‌کننده‌ها نخست پناهندگانی در کشورهای ثالث بودند یا از بخش‌های مختلف دیگر افغانستان که هیچ شبکه اجتماعی در کابل نداشتند. اساساً، وی اشاره کرد که لکه ننگ اجتماعی که از «ناکامی» در مهاجرت به وجود می‌آید، اغلب این افراد را تشویق به مهاجرت دوباره می‌کند.





گرداننده پنل تلاش ورزید تا نکات مهم دادخواهی را که می‌توان بر آنها تمرکز کرد کنار هم آورد، اما از بحث‌های مطرح در پنل مشخص بود که مسایل تجربه‌شده در سراسر چرخه مهاجرت، همگی مهم و اساسی هستند. ایشان برای آنکه بحث را بر سر مسایل دادخواهی متمرکز سازد، از اعضای بورد سؤال نمود که آیا با تمرکز بر نیازهای فوری پناهجویان، مسایل استراتژیک دادخواهی اهمیت خود را از دست می‌دهند یا نه. کاوا اسپارتاک با این گفته موافق بود و اظهار داشت که - حتی در عمل - سازمان‌ها بر تعدادی کمی از پناهجویان در جریان پروسه جلسات استماعیه‌شان تمرکز می‌کنند در حالی که ده‌ها هزار پناهجوی دیگری که برای دسترسی به خدمات اولیه و ادغام تلاش می‌کنند، نادیده گرفته می‌شوند.

اعضای حاضر در جلسه بر اهمیت دادخواهی که سراسر چرخه مهاجرت را شامل شود اصرار ورزیدند. بعضی اعضا خاطر نشان ساختند که پناهجویان اغلب آمادگی چندانی برای مواجهه با پروسه پناهندگی را ندارند؛ زنان به خاطر ناتوانی در دادخواهی مناسب برای خود، که عمدتاً ناشی از موانع اجتماعی و فرهنگی است، نرخ اعطای پناهندگی کمتری دارند. دیگران اشاره کردند که به گمان آنها، سازمان‌ها برای حمایت مهاجران بالقوه از افغانستان از طریق دادن اطلاعات درست، کار چندانی نمی‌کنند. برخی از حاضرین احساس کردند که بسیاری از پناهجویان با توقعات غیر واقع‌بینانه به اروپا می‌آیند و بعداً خود را در وضعیتی دشوار می‌یابند. عبدالغفور رفیعی موافق بود که دادخواهی برای شفافیت بیشتر در پروسه‌های پناهندگی برای کسانی که هنوز در افغانستان هستند، به معنای تشویق مردم به ترک کشور نیست؛ بلکه برعکس آسیب‌ها را برای کسانی که اقدام به سفرهای خطرناک بر مبنای اطلاعات غلط یا نادرست می‌کنند، کاهش می‌دهد. رشاد از تمرکز بر پروسه‌های پناهندگی و عودت‌های اجباری دفاع کرد صرفاً بدین خاطر که سازمان‌های دیاسپورای افغان معمولاً ظرفیت محدود دارند؛ بناءً مجبور هستند بر روی مسایلی کار کنند که از «زیان بیشتر جلوگیری به عمل آید» و در این راستا

موفقیت‌هایی مشاهده می‌شود. به طور خاص، او باور داشت که سازمان‌های دیاسپورا افغان قابلیت بسیاری دارند که متحد شوند و بر جمع‌آوری توافقات در میان دول اروپایی نسبت به «خطوط قرمز» عودت‌های اجباری تمرکز کنند: کودکان، آنانی که با افغانستان آشنایی ندارند، افرادی که آسیب‌پذیر هستند (مثلاً اشخاص دارای امراض مزمن و کهنسالان). او اذعان داشت که برای تغییر کلان‌تر، داشتن نماینده در کنفرانس‌ها و گردهمایی‌هایی بزرگ، جایی که پناهندگان بتوانند برای خود دادخواهی کنند - نه اینکه اروپایی‌ها و سازمان‌های غیردولتی به جای‌شان سخن بگویند - بسیار مهم است.

اعضای حاضر بر طرزالعمل‌های مثبت دیگر هم تأکید داشتند شامل تضمین اینکه دادخواهی فقط بر موضوعات «منفی» متمرکز نیست، بلکه توانایی‌ها و کمک‌های افغان‌ها در اروپا را هم برجسته سازد. کاوا سپارتاک با توضیح یافته‌های گزارش دیاسپورای افغان در اروپا، اشاره کرد که وی احساس می‌کند جوانان دیاسپورا بیشترین قابلیت را برای خلق یک صدای واحد بر مبنای همکاری و مسایل همه‌شمول دارند. در ختم جلسه، گرداننده از اعضای پنل خواهش نمود تا نکات مهم جلسه را یادآوری کنند. همگی اعضا بر نیاز به همکاری با یکدیگر، با یک صدای واحد، تأکید داشتند تا از پروسه‌های عادلانه درخواست پناهندگی حمایت شود و برای دسترسی بهتر به خدمات در میان کسانی که تازه از راه رسیده‌اند، دادخواهی گردد.

## بحث گروهی: تقویت مشارکت دیاسپورا در فعالیت‌های بشردوستانه و انکشافی

**مینگو هیدوک، رئیس بخش مشارکت جامعه مدنی، شورای مهاجرین دنمارک**  
اعضای پنل: فیونا گال، رئیس موسسه اکبر؛ راحله صدیقی، بنیاد فرخنده برای تعلیم زنان افغان؛ دکتر یحیا وردک، افغان ای وی؛ مینا عباسی، زینب همام، مدیر اجرایی، فعالیت افغان بریتانیا.

### نکات مهم

- دیاسپورا، از طریق پیوندهای از پیش موجود فرهنگی، زبانی و اجتماعی، پل ارتباطی مهمی با افغانستان است.
- نبود بودجه چالش مهمی برای پایداری بسیاری از پروژه‌ها است زیرا بسیاری از سازمان‌های بین‌المللی غیر دولتی و ادارات دولتی نمی‌خواهند پروژه‌های کوچک را تمویل کنند.
- نبود اتحاد در درون دیاسپورا چالش‌هایی را بر سر تطبیق پروژه‌های هماهنگ‌شده بشردوستانه و انکشافی ایجاد می‌کند که این امر، نیاز به تعدیل گفت‌وگوها بر مبنای اهداف مشترک و راه‌حل‌های تکنیکی را نشان می‌دهد.

این پنل که توسط مینگو هیدوک مدیریت می‌شد، فرصت مناسبی بود برای بحث پیرامون فرصت‌ها و چالش‌هایی که سازمان‌های افغان در هنگام تأمین کمک‌های بشردوستانه و انکشافی در افغانستان با آنها مواجه هستند. این بحث بر اساس یافته‌های گزارش دیاسپورای افغان در اروپا صورت گرفت. بر اساس یافته‌های گزارش، هر چند بسیاری از سازمان‌ها علاقه‌مند به حمایت از اجتماعات در افغانستان هستند، ولی مشکلات بوروکراتیک، امنیت ناپایدار، و فقدان رویکردهای مشترک با سازمان‌های غیردولتی و دولتی موجود، موثریت این مداخلات را محدود کرده است. فیونا گال با توضیح ادراک موسسه اکبر از قوت‌ها و ضعف‌های کار در افغانستان، بحث را آغاز کرد. او تأکید کرد که، علیرغم مشکلاتی که افغانستان با آنها مواجه است، این کشور یک چشم‌انداز بسیار واضح حکومتداری برای سازمان‌های غیردولتی فراهم آورده است؛ به شمول پالیسی‌های ملی مربوطه، پروسه‌های ثبت و گردهمایی‌های سازمان‌های غیردولتی ملی و بین‌المللی. به هر



حال، همانند دیگر کشورهای منطقه، کمک‌های مالی در سال‌های اخیر به میزان قابل توجهی کاهش یافته و بر پروژه‌های بشردوستانه و تأمین نیازهای اساسی متمرکز شده است. همان‌طور که در گزارش افغان‌ها در اروپا تأکید شده است، شرایط امنیتی نیز همچنان چالش‌های متعددی را پیش روی سازمان‌هایی که حتی حضور قوی و درازمدت در کشور دارند، قرار می‌دهد؛ به خصوص سازمان‌هایی که علاقه‌مند به فعالیت در نواحی روستایی هستند. ایشان به طور ضمنی اشاره کردند که سازمان‌های دیاسپورا باید تضمین کنند که پروژه‌های آنها کمبودهای موجود را تحت پوشش قرار می‌دهند و نه اینکه تلاش‌های ۲۳۰۰ سازمان ثبت‌شده در کشور را تکرار کنند. راحله صدیقی با اشاره به این تبصره، اشاره نمود که عدم هماهنگی در فعالیت‌ها، سبب کاهش یافتن اثربخشی تلاش‌های دیاسپورا در کشور می‌گردد؛ ولی ظرفیت هماهنگی در افغانستان، به علت فقدان هماهنگی در بین دیاسپورا - حتی در اروپا -، محدود است. در مورد مدیریت فقدان هماهنگی، داکتر یحیا وردک و زینب همام، هر دو، اشاره کردند که ابتکارات خرد قابلیت کمک به جوامع در افغانستان را دارند، مثل ابتکاراتی مربوط حوزه‌ی صحت و حمایت از تشبثات کوچک؛ با این حال، از آنجایی که سازمان‌ها در افغانستان تأسیس شده‌اند، هر دوی آنها به کمک مالی محدود برای اجرا و حفظ پروژه‌های خود اشاره نمودند. مینگو هیدوک از اعضای پنل خواست که در مورد شرایط موجود تمویل مالی برای سازمان‌های دیاسپورا توضیح بدهند. اعضای پنل بر چالش‌های کار در سازمان‌هایی که به کمک‌های مالی بلاعوض یا بخشش‌های کوچک وابسته هستند، تأکید کردند.

از آن جایی که بخش اعظم کار به شکل داوطلبانه صورت می‌گیرد، این امر سبب محدودیت قابلیت اقدامات سازمان‌ها می‌شود. نبود ظرفیت لازم برای تکمیل پروپوزال‌های تمویل رسمی بودجه و تعقیب کارهای اداری لازم برای حفظ کمک‌های مالی، یک مانع جدی است. به همین نحو، ظرفیت برای دادخواهی موثر از حقوق و نیازهای دیاسپورا و افغان‌هایی که در کشور باقی مانده‌اند نیز محدود می‌باشد.



اعضای حاضر به چالش‌هایی اشاره کردند که قبلاً در اثنای مباحثه روی پالیسی مشارکت دیاسپورا، به مدیریت دیوید مجید، به آن تلوياً اشاره شده بود. بطور خاص، اعضای دیاسپورا به سوءظن و بدگمانی اشاره کردند که برخی افغان‌ها نسبت به سازمان‌های دیاسپورا دارند. داکتر یحیا اظهار داشت که گرچه این بدگمانی همیشه وجود خواهد داشت، دیاسپورا همچنان نسبت به سازمان‌های دیگر ارجحیت دارد، زیرا مسایل مختلف را در سطح محلی می‌فهمند و با زبان و لهجه محلی آشنا هستند؛ که می‌توان به نوبه خود اعتماد را بالا ببرد. علاوه بر این، به تأکید ایشان، بسیاری از افغان‌ها نسبت به فعالیت جامعه بین‌الملل در افغانستان طی دو دهه گذشته احساس ناامیدی می‌کنند. فیونا گال با تأکید بر این واقعیت، به روند بازگشت اعضای مسلکی و ماهر دیاسپورا اشاره کرد که امتیاز بسیاری کلانی برای افغانستان به شمار می‌رود. زینب همام بر این نکته اشاره کرد که علاقه و احساس باید از هر دو سو باشد: کسانی که در کشور باقی مانده‌اند می‌توانند از کمک‌های دیاسپورا بهره‌مند گردند، اما برای دیاسپورا نیز مهم است که قابلیت ایجاد تحول در کشور خاستگاه خود را دارند. بحث بر روی شیوه‌های مشارکت ادامه یافت؛ اعضای پنل اظهار داشتند که نیاز به مشارکت دیاسپورا وجود دارد، اما نبود راه‌های روشن برای مشارکت دیاسپورا سبب خلق موانعی در این راستا و همچنین زمینه‌های فساد می‌شود.

اعضای حاضر جلسه با ادامه بحث درباره موضوعات مطرح شده در جلسه صبح، به موضوع چالش هماهنگی بین سازمان‌های دیاسپورا در افغانستان، به خاطر اختلافات قومی در درون اجتماع، اشاره کردند. راحله صدیقی اظهار داشت که همانند دیگر رویکردهای همکاری، نهادهای هماهنگ‌کننده بر آن نیستند که پروژه‌های خاصی را به اجرا درآورند بلکه بر مبنای موضوعات یا بخش‌های تخصصی پروژه، سازمان‌ها را گرد هم می‌آورند؛ هماهنگی باید به حیث یک پروژه تخصصی درک شود و نه محصول یک اجندای سیاسی خاص. اعضای پنل با اشاره به تبصره پروفسور میلیسا سیگل در جلسه صبح، نسبت به رویکردی که جوانان دارند خوش بین بودند؛ رویکردی که در آن اختلافات جای خود را به ارزش‌ها و اهداف مشترک افغان‌ها در خارج از کشور می‌دهد. بعضی از اعضای حاضر، از توسعه یک پلان عملی برای ارتقای هماهنگی استقبال کردند. فیونا گال اظهار داشت که سازمان‌های چتر دیاسپورا باید خارج از کنترل و رهبری دولت ایجاد شوند؛ اینها فرصت‌ها و گردهمایی‌هایی هستند که توسط سازمان‌های غیردولتی و برای این سازمان‌ها فراهم می‌گردند، بناءً دیاسپورا باید نقش رهبری آنها را برعهده بگیرد.

## بحث گروهی: بهبود همکاری ملی و اروپایی

**حمید حکیمی، دستیار تحقیق، چاتم هاوس**

اعضای پنل: خان آغا داودزی، رییس اداره انکشاف بر مبنای حقوق؛ آسیه مژگان امینی، آکادیمی بین‌المللی افغان؛ علی افتخاری، شورای جهانی هزاره‌ها؛ ولی شاپور، اتحادیه سازمان‌های افغان در هالند.

### نکات مهم

- اختلافات قومی و نسلی از عوامل مهم محدودکننده هماهنگی سازمان‌های دیاسپورای افغان است.
- سازمان‌های منفرد دیاسپورای افغان شاید به نسبت ترس از دست دادن استقلالیت خویش از پیوستن به پروسه‌های جمعی خودداری کنند؛ از اینرو، تمرکز بالای تعریف شبکه‌ها، هماهنگی و گروه‌های چتر باید در گام نخست بطور شفاف و جمعی صورت گیرد.
- با در نظر داشت موفقیت‌های محدود در کار هماهنگی در اروپا، سازمان‌های دیاسپورای افغان و دیگر سازمان‌های هم‌فکر باید در مورد امکان عمل در گفت‌وگوهای خود و سپس «آغاز کار در سطح خرد» با یکدیگر همکاری کنند.

حمید حکیمی بحث را با اشاره به نبود تلاش‌های هماهنگی موفق در میان جامعه دیاسپورای افغان آغاز نمود. ایشان همچنین بر لزوم بررسی علل ناکامی‌ها - و بر موفقیت‌های اندک در بین آنها - تأکید کردند تا اینگونه، راه پیش رو تعیین شود. سپس، ایشان فرصت را به دیگر اعضای پنل دادند و از هر کدام دعوت کردند تا درباره تجربه خود درباره هماهنگی صحبت کنند. خان آغا داودزی صحبت خود را با اشاره به تجربه موفق هماهنگی بین دیاسپورای سومالی در اروپا آغاز کرد و اظهار داشت که آموختن از تجربه این اجتماع بسیار مفید خواهد بود؛ از جمله فهمیدن اینکه چگونه مسایل مربوط به تعریف اصطلاحات، مانند تفاوت بین «سازمان چتر» و «شبکه»، گاهی اوقات سبب دشواری در ارتقای هماهنگی می‌شوند. او خاطر نشان ساخت که نگرانی‌ها و فرصت‌های دادخواهی مشترک برای ارتقای ظرفیت و پروگرام‌ها از مسایل مشترک در چشم‌انداز سازمان‌های دیاسپورای افغان هستند و همین موارد باید اهداف بنیادین سازمان‌ها باشند. آسیه مژگان امینی تأکید ورزید که آکادمی بین‌المللی افغان در بین سازمان‌های دیاسپورای افغان اولین سازمان بود که در دهه ۱۹۸۰ در بریتانیا تأسیس گردید و کار خود را با رسانه‌ها و پخش آگاهی آغاز نمود و با تهیه‌کنندگان خدماتی دیگر هم همکاری دارند. به اذعان ایشان، با شکل‌گیری سازمان‌های بیشتر، چشم‌انداز موجود پیچیده‌تر شده و همکاری غیررسمی دیگر ممکن نیست. ایشان به تلاش‌های محدود اما مفید برای همکاری اشاره کرد و اینکه، گرایش غالب به سمت بالارفتن رقابت‌ها بین این سازمان‌ها می‌باشد که این امر، صدای جمعی مورد نیاز جهت دادخواهی موثر برای حقوق افغان‌ها در اروپا را با چالش مواجه می‌سازد. علی افتخاری توضیح داد که شورای جهانی هزاره‌ها بر مسایل اجتماعی که جامعه هزاره‌ها در اروپا را متأثر می‌سازد، تمرکز می‌کند، مخصوصاً در اتریش، بلجیم و سویدن. هر چند تجربه هماهنگی در این گروه تازه است، آنها درس‌هایی را آموخته‌اند که می‌توانند با کل اجتماع افغان‌ها به اشتراک بگذارند. ولی شاپور گفت که اتحادیه سازمان‌های افغان در هالند بر اساس ضرورت تأسیس گردیده است؛ رقم بالای پناهجویان در سال ۲۰۰۳ به این معنا بود که ۳۶ سازمانی که اکنون اتحادیه مذکور را تشکیل می‌دهند، باید با هم همکاری کنند تا اطمینان حاصل شود که طیف گسترده‌ای از برنامه‌های گوناگون در دسترس افراد نیازمند قرار می‌گیرد. ایشان موضوع فعالیت جوانان را مطرح ساخت و گفت که جوانان اکثر اوقات ابتکارات را به پیش می‌رانند و قادرند به آسانی اختلافات سنتی در جامعه را کنار بگذارند و از اینرو، شامل ساختن سازمان‌های جوانان در فعالیت‌های هماهنگ‌کننده بسیار مهم است.

حاضرین در جلسه و اعضای پنل بحث مفصلی درباره اهمیت و ارتباط میکانیزم‌های هماهنگی قومیت محور داشتند. یکی از حاضران تأکید داشت که تا زمانی که در خارج از افغانستان هستند، دولت‌های میزبان آنها را به طور یکسان دیده و تمام افغان‌ها با تبعیض‌های مشابهی مواجه هستند؛ از اینرو سازمان‌های چتری که بر قومیت‌های خاص تمرکز دارند با اقدام جمعی که نیاز بزرگتر است مقابله می‌کند. دیگران بر اصل شرعی کار با همدیگر اشاره نمودند: قرآن کریم از اهمیت مساوات و تنوع یاد می‌کند، در حالی که اختلافات پذیرفته می‌شوند و هر کس از نفع جمعی آن مستفید می‌گردد. بعضی یادآور شدند که سازمان‌های چتر اختلاف عقیده را تشویق می‌کنند در حالی که به باور دیگران، شبکه‌های هدفمند می‌توانند «موفقیت‌های» اولیه هماهنگی را حمایت و تقویت کنند و نسبت به طرز تفکر برخی اجتماعات در این مورد حساس تر باشند. گرداننده پنل از اعضای پنل تقاضا نمود تا درباره قابلیت سازمان‌های ملیت محور چه نظری دارند. خان آغا داودزی و آسیه مژگان امینی اظهار داشتند که همکاری به سطح ملی و حتی همکاری با آنهایی که خارج از اجتماع دیاسپورا هستند می‌تواند موثرترین نتایج را به بار آورد؛ ولی این کار زمان‌گیر خواهد بود. داودزی تأکید داشت که یکی از موانع اساسی این است که سازمان‌های دیاسپورای افغان احساس می‌کنند اگر هرگونه مرجعیت و صلاحیتی که به یک سازمان چتر داده شود، سازمان‌های انفرادی دیاسپورای افغان اهمیت خود را از دست خواهند داد. ایشان اضافه نمودند که برای جلوگیری از چنین درکی، تلاش‌های زیادی باید صورت گیرد. علاوه بر این، ایشان خاطر نشان کردند که ناامیدی نسبت به نبود هماهنگی سبب تشکیل تعداد زیادی مجموعه‌های هماهنگ‌کننده کوچک گردیده است که به جای کار بر روی اهداف دادخواهی مشترک، با یکدیگر به رقابت برخاسته‌اند.

آسیه مژگان امینی اضافه نمود که بسیاری از این سازمان‌ها از صفر شروع نموده‌اند و از این رو، اگر حتی قسمت کوچکی از کنترل‌شان بر برنامه‌ریزی را از دست بدهند، احساس ناخوشنودی می‌کنند. همچنین این احساس نیز وجود دارد که سازمان‌ها، به خاطر فقدان اعتماد بین خود، باید بر سر منابع محدود با یکدیگر به رقابت برخیزند.

حمید حکیمی در جمع‌بندی گفت‌وگو به مسایل مربوط به زبان و تعریف‌ها (مثلاً دیاسپورا، دادخواهی، چتر، شبکه، تنوع، شمولیت، برابری) اشاره نمود که ممکن است توجهات را از هدف کلی به دست آوردن نتایج خوب برای افغان‌ها منحرف سازد. علاوه بر آن، او خاطر نشان ساخت که اعضای پنل و حاضرین جلسه، هر دو، تلاش کردند بحث را به جلو ببرند زیرا

سازمان‌های دیاسپورای افغان، اغلب اوقات دارای طرزالعمل‌ها و احکامی (بشری و مالی) هستند که به خوبی تعریف نشده‌اند و به خاطر منابع موجود، دایم در حال تغییر اند. حمید حکیمی اظهار داشت که پیام عمده گفت‌وگوی حاضر این بود که انجمن‌های سیاسی از گفت‌وگوهای هماهنگی بیرون نگهداشته شوند تا مانع هدف کلی هماهنگی نگردند. همانطور که یکی از اعضای حاضر اشاره داشت، هدف کلی هماهنگی آن است که افغان‌ها به لحاظ قانونی در اروپا به یک چشم نگریسته می‌شوند و بناءً، باید با هم کار کنند. آقای حکیمی از اعضای پنل خواست تا در آخر جلسه، نظر خود را درباره راه پیش رو به طور مختصر بیان دارند. تمام اعضای پنل اظهار داشتند که گام نخست، ایجاد یک احساس شمولیت، شفافیت و صداقت در بین اجتماع سازمان‌های دیاسپورای افغان است. حمید حکیمی در ختم جلسه تأکید کرد که هیچ نهاد هماهنگ کننده بدون مشکل و مسأله نیست و بنابراین باید انتظاراتی واقع‌گرایانه داشت. در نهایت، ایشان پیشنهاد داد که حفظ جریان گفت‌وگو درباره هماهنگی بسیار اساسی بود و اینکه باید درباره بسیاری از مسایل کوچکی که مانع اقدامات مشخص می‌شوند (مثل مسایل تعریفی) گفت‌وگو شود و سپس کار را ادامه داد.





## بحث گروهی: کمک‌های دیاسپورا به گردهمایی جهانی پناهندگان

تسهیل‌کننده: بیاتریس موکوندت، هماهنگ‌کننده پروژه، واحد

مشارکت جامعه مدنی، شورای مهاجرین دنمارک

اعضای پنل: نادره امینووا، معاون افسر حمایتی، دفتر منطقه‌ای کمیشتری عالی ملل متحد برای مهاجرین در کشورهای شمالی؛ شهرزاد آملی، متخصص امور دادخواهی، پلتفرم راه‌حل برای بیجاشده‌گان در آسیا، نجیب عبید بابکر خیل، مؤسس و رئیس شورای مهاجرین فرانسه؛ مریم سعیدی، هماهنگ‌کننده پروژه، رفاه اجتماعی و انکشاف اقتصادی افغانستان (SWEDA).

### نکات مهم

- استفاده از جریان گردهمایی جهانی پناهندگان، رویکرد «کل جامعه»، و دست کم نگرفتن رسانه‌های اجتماعی و استفاده از آنها به عنوان یک ابزار.
- اهمیت نظارت بر تعهدات دولت‌ها و مسولیت‌پذیر نگه‌داشتن آنها در پیگیری، حتی اگر بدانیم که این تعهدات الزام‌آور نیستند. استفاده از تعهدات گردهمایی جهانی پناهندگان برای اعمال فشار بر دولت‌ها و پالیسی‌های ملی در کشورهای میزبان و بازگرداندن افغانستان در صدر اجندای آنها.
- نیاز به کار برای یک پروسه همه‌شمول جهت نظارت بر تطبیق موافقتنامه جهانی در مورد پناهندگان، به نحوی که تمام ذینفعان، به شمول دیاسپورا، پناهندگان و عودت‌کنندگان، بتوانند به طور فعال در آن اشتراک ورزند و روند پیشرفت CRFF را در افغانستان و کشورهای همسایه پیگیری کنند.

در ابتدای جلسه، بیاتریس موکوندت به بررسی سلسله‌ای از مشورت‌های شورای مهاجرین دنمارک و پلتفرم راه‌حل پایدار در آسیا پرداخت که با سازمان‌های جامعه مدنی قبل از گردهمایی جهانی پناهندگان (۱۷ الی ۱۸ دسامبر ۲۰۱۹) صورت گرفتند. ایشان تأکید ورزیدند که بحث این پنل بر گردآوری بازخوردهای بیشتر در مورد نقایص یا چالش‌هایی متمرکز خواهد بود که در جریان این پروسه با آن مواجه هستیم. او از نادره امینووا، افسر منطقه‌ای UNHCR برای کشورهای شمالی تقاضا نمود که اطلاعاتی در مورد گردهمایی جهانی پناهندگان به حضار ارائه دهد. نادره موافقتنامه جهانی برای پناهندگان (GCR) را تحت بررسی گرفت و بر اهمیت GRF در تأمین فرصت نظارت بر چگونگی عملکرد سازمان‌های ملل متحد، دولت‌ها و تمامی ذینفعان، گردآوردن تعهدات و کمک‌ها، و به نمایش گذاشتن طرزالعمل‌های خوب تأکید کرد.

شهرزاد آملی توضیح داد که در ورکشاپ‌های مشترک ADSP و موسسه اکبر در شهرهای کابل، هرات و مزار شریف، امنیت و سلامت مهمترین نگرانی در میان ذینفعان بوده است، هر چند ادارات نیز بر بودجه محدود و توجه ناکافی بر مسایل انکشافی (مثل بازار کار و استخدام) تأکید داشتند. خانم آملی به نمونه‌های خوب عملی دسترسی به ارقام، میثاق شهروندی، سیستم‌های نیرومند هماهنگی و شماره تماس تلففونی رایگان برای شکایت‌ها از طرف سازمان ملل اشاره نمود. در اروپا، نجیب عبید بابکر خیل تأکید ورزید که پروسه پناهندگی و نبود شمولیت در روند تصمیم‌گیری همچنان اولویت‌های اصلی دیاسپورا و پناهندگان شمرده می‌شوند. مریم سعیدی و بیاتریس موکوندت اظهار داشتند که ورکشاپ کونپهاگن اهمیت تغییر روایت (یعنی اینکه پناهندگان ارزش اقتصادی دارند) و تمرکز به خلق شغل، دسترسی به معلومات، تعلیم و به رسمیت شناختن صلاحیت‌ها و آموزش یک به یک را مورد تأکید قرار می‌داد.

در جریان گفت‌وگو، حاضرین نکته‌هایی را درباره فرصت‌های موجود برای دادخواهی و مشارکت ذکر کردند؛ البته همچنین باید تصدیق کرد که سازمان‌ها و اجتماعات باید تلاش کنند خواسته‌های‌شان را به گوش بقیه برسانند. سوال اول به موضوع شمولیت دیاسپورای افغان در منطقه آسیا، به خصوص در ایران و پاکستان، مربوط می‌شد. نادره امینووا تأیید کرد که GRF بطور کل بر مشارکت سطح دولتی و وزارتخانه‌ای تمرکز می‌کند، ولی «رویکرد کل جامعه» به مشوره‌های گسترده‌تری نیاز دارد. بیاتریس موکوندت اظهار داشت که شبکه تحت رهبری گردهمایی جهانی پناهندگان مشورت‌هایی هم در آسیا داشته است، اما ایشان از تعهدات خاص به این جمعیت دیاسپورا آگاهی نداشت. برای تشخیص اینکه چه نوع مشورت‌هایی در منطقه صورت گرفته و چه نوع مشورت‌های دیگری هم می‌توانند جامه عمل بپوشند، نیاز به اقدامات بیشتری است. یکی از حاضرین تأکید کرد که تحصیل در کشورهای خاستگاه، تنها چالش در برابر راه‌حل‌های پایدار نیست، بلکه به رسمیت نشناختن اسناد تعلیمی توسط دولت‌های میزبان چالشی است که می‌تواند کارایی و فرصت‌های بیشتر تعلیمی را محدود سازد. نجیب عبید بابکرخیل در پاسخ گفت که این مشکل عمیق‌تر از اینهاست؛ که مدیریت پناهندگانی که تازه از راه رسیده‌اند و فاقد تحصیلات ابتدایی هستند همچنان یک چالش کلان بر سر راه‌حل‌های پایدار باقی می‌ماند. نادره امینووا در این رابطه اضافه کرد که این چالش به طور مستقیم به بازار کار و چالش‌های استخدام ارتباط دارد که این امر به نوبه خود، موجب نگرانی بسیار دولت‌های اروپایی می‌شود. هر دو عضو پنل اظهار داشتند که GRF کانالی را ارایه می‌دهند تا دقیقاً این نوع مسایل مورد تأکید قرار گیرند و اینکه کشورها، برای غلبه بر این مسایل، باید به راه‌حل‌های عملی و مشخص در سطح ملی و محلی دست یابند. بیاتریس موکوندت اظهار داشت که نکات برجسته از جلسات مشورتی در دنمارک با وزارت امور خارجه به اشتراک گذاشته شد و بر چالش‌هایی که پناهندگان در رابطه با تحصیل و استخدام مواجه می‌شدند، تأکید شد.

حاضرین راجع به تعهدات داده‌شده، خصوصاً مسایل احتساب و پابندی به تعهدات مربوط به مسایل روزمره، اظهار شک نمودند. نادره اظهار داشت که گزارش‌های احتساب بر اساس نظارت‌های انجام‌شده توسط UNHCR در اختیار عموم گذاشته خواهد شد. بیاتریس اظهار نمود که تعهدات به لحاظ قانونی جنبه الزام‌آور ندارند ولی می‌توانند مسایل دادخواهی از سازمان‌ها و افراد مربوطه را در مقابل دولت‌های مربوطه‌شان تقویت کنند. شهرزاد در این باره خاطر نشان ساخت که GRF یک فرصت خوب برای سازمان‌ها بود تا توجه و بودجه بیشتری را برای افغانستان جلب کنند به خصوص در شرایط حاضر که بسیاری از دونرها مایل به کمک نیستند. اعضای پنل اشاره کردند که کنفرانس‌هایی با این عظمت طوری جلوه می‌کنند که گویی با مسایل روزمره‌ای که سازمان‌ها و اجتماعات تجربه می‌کنند، ارتباطی ندارند. ولی دادخواهی می‌تواند در آشکار ساختن شرایط عینی و فرصت‌ها و چالش‌های آن نقش مهمی بازی کند. نجیب عبید بابکرخیل بر اهمیت رسانه‌های اجتماعی تأکید ورزید. اعضای پنل حاضرین را تشویق کردند که در فعالیت‌ها اشتراک ورزند و بر کمپاین‌های آگاهی‌بخشی برای تحت فشار قرار دادن دولت‌های عضو تأکید کردند؛ این فشارها می‌تواند کشورهای عضو را مجبور به تعهدات مربوط کند و دیاسپورا و پناهندگان را به عنوان صداهای مهم در رویکرد «کل جامعه» حفظ نماید.

## نتیجه‌گیری

کنفرانس با اظهارات نهایی گردانندگان پناها پایان یافت. آنها توافق داشتند که گفت‌وگوها مفید و موثر بودند اما کار بسیاری بیشتری نیاز است تا بتوان به اهداف مشخص شده در ابتدای روز دست یافت. تمام گردانندگان پناها، خواهان فرصت‌های بیشتری برای گردهم آمدن اعضای سازمان‌های دیاسپورای افغان و گفت‌وگو درباره‌ی مسایل مهم مشترک بودند، به شمول ادامه گفت‌وگوها راجع به امکانات لازم برای افزایش وحدت و هماهنگی در درون دیاسپورای افغان.

مینگو هیدوک با اظهار ملاحظیات پایانی جلسه، از تمام اشتراک‌کنندگان و اعضای پناها، به خاطر اشتراک‌شان در کنفرانس و حمایت از دیاسپورای افغان در اروپا اظهار امتنان نمود. ایشان یادآور شد که اختلافاتی که در گزارش افغان‌ها در اروپا مورد تأکید قرار گرفته‌اند و در مباحثات گروهی نیز از آنها یاد شد، باید بیش از این مورد بحث قرار گیرد. در عین حال، در آینده باید قدمی به جلو برداشت و بر موضوعاتی تمرکز کرد که قادرند دیاسپورا و دیگر سازمان‌های هم‌فکر را گرد هم آورده و متحد سازند. ایشان همچنین تأکید ورزیدند که هر چند شورای مهاجرین دنمارک می‌تواند جلسات را تسهیل کند اما نهایتاً بیشتر کار باید توسط خود اعضای دیاسپورا و سازمان‌های دیاسپورای افغان انجام گیرد. ایشان جلسه را با تأیید این نکته که اشتیاق فراوان اشتراک‌کنندگان جهت کمک به دیاسپورا بسیار دلگرم‌کننده است، جلسه را خاتمه داد.

پروگرام دیاسپورای شورای مهاجرین دنمارک در نظر دارد چندین مورد از پیشنهادات مطرح‌شده در جلسات امروز را برای برنامه‌ریزی‌های آینده به کار گیرد، به این امید که به برنامه‌های وسیع‌تری برای حمایت از دیاسپورای افغان در سراسر اروپا منجر گردد.





# ضمیمه: ورکشاپ پالیسی ملی افغانستان برای مشارکت دیاسپورا (ANDEP)

۱۶ نوامبر ۲۰۱۹، دفتر مرکزی شورای مهاجرین دنمارک، کوپنهاگن

به کمک:

وزارت امور خارجه دنمارک  
همکاری توسعه  
بین المللی | **دانیدا**

**giz**

پروگرام دیاسپورا شورای  
مهاجرین دنمارک **DRG**

## مقدمه

این گزارش نتیجه ورکشاپی است که شورای مهاجرین دنمارک (DRC) میزبان آن بود، اما برگزاری و تسهیل آن را وزارت مهاجرین و عودت‌کنندگان افغانستان (MoRR) برعهده داشت. هدف این ورکشاپ، بررسی مسوده پالیسی ملی افغانستان برای مشارکت دیاسپورا (ANDEP) بود. مجموعاً ۶۲ تن اشتراک‌کننده از ۱۳ کشور در این ورکشاپ سهم گرفتند.

این ورکشاپ با خوشامدگویی از سوی معین وزارت، داکتر عالمه، آغاز گردید و به دنبال آن، چهار گروه کاری برای هر کدام از چهار بخش ANDEP تشکیل گردید. این گروه‌ها بعداً دوباره برای بحث درباره بازخوردهای خود گرد هم آمدند. در نهایت، داکتر عالمه ختم جلسه را اعلان نمود. این ورکشاپ بستری مناسب را برای بحث و شبکه‌سازی به وجود آورد و فرصتی بی‌نظیر برای گفتگوی مستقیم بین دولت و دیاسپورا بود. اشتراک‌کنندگان در ورکشاپ خواستار فعالیت‌های مشابه دیگری بودند تا بدینگونه، سازگاری و ارتباط ANDEP با نیازمندی‌های دیاسپورا تضمین گردد و سازمان‌های دیاسپورای افغان در تطبیق آن فعالانه سهم بگیرند، چرا که آنها در تبلیغ و ترویج ANDEP و گردآوردن اجتماع دیاسپورا در عرصه‌های مربوطه‌شان نقش منحصر به فردی دارند.

## فهرست مخففات

ADO	سازمان دیاسپورای افغان
ANDEP	پالیسی ملی افغانستان برای مشارکت دیاسپورا
CSO	سازمان محلی مردمی
DRC	شورای مهاجرین دنمارک
INGO	سازمان بین‌المللی غیردولتی
IOM	سازمان بین‌المللی مهاجرت
MORR	وزارت مهاجرین و عودت‌کنندگان
NGO	سازمان غیردولتی
UN	سازمان ملل

# پیشنهادات

در جریان ورکشاپ، ضرورت بحث و مشارکت مداوم در مورد پالیسی ملی افغانستان برای مشارکت دیاسپورا بین سازمان‌های دیاسپورای افغان و دولت افغانستان به طور متواتر مورد تاکید قرار گرفت. همچنان نمایندگان دیاسپورا بسیاری از پیشنهادات به دست آمده از کنفرانس دیاسپورای شورای مهاجرین دنمارک با عنوان «افغان‌ها در اروپا» (۱۵ دسامبر ۲۰۱۹) را مطرح کردند، به شمول ضرورت فعال‌تر شدن سازمان‌های دیاسپورای افغان در خلق یک دیدگاه مشترک و متحد. پیشنهادات خاص برای موضوعات کنفرانس در ذیل بیان شده است.

## انکشاف اقتصادی

- دولت افغانستان باید درباره محیط تجاری و پالیسی‌های مربوط به آن در افغانستان، مجموعه‌ای از کمپاین‌های آگاهی‌بخشی عامه را به راه بیندازد. یک ویب‌سایت به زبان‌های مختلف می‌تواند نقطه شروع مهمی در این راستا باشد.
- سفارتخانه‌های افغانستان منابع خوب معلوماتی هستند و می‌توانند مشوق سرمایه‌گذاری‌های خارجی باشند. دولت افغانستان باید در تربیت و انتصاب ائمه‌های خیره و بامهارت در سفارتخانه‌ها سرمایه‌گذاری نماید.
- برای تضمین رفاه اقتصادی فامیل‌ها و تجارت‌های خرد، تسهیل انتقال مبالغ ارسالی [remittances] با استفاده از ساختارها و سیستم‌های پرداخت مناسب و شفاف بسیار مهم است. دولت باید کانال‌های وجوه ارسالی را تنظیم کند و زیر نظارت بگیرد.

## ارتقای ظرفیت

- ANDEP باید بسته‌های امتیازی موجود برای عودت‌کنندگان دارای صلاحیت را روشن بسازد و جزییات کافی درباره پروسه درخواست دادن برای امتیازات را ارائه دهد تا مشوق و انگیزه لازم برای عودت اشخاص مسلکی فراهم شود.
- سفارتخانه‌ها باید در شناسایی اعضای شایسته و دارای صلاحیت دیاسپورا نقش برجسته‌تری به عهده بگیرند و فرصت‌های کاری برای آنها را در افغانستان تضمین کنند.
- دولت می‌تواند همکاری‌هایی با دانشگاه‌های اروپایی روی دست بگیرد تا از مراکز تحقیقاتی در افغانستان که بر ارتقای ظرفیت در کشور تمرکز دارند، حمایت کند.
- این درک عمومی که همه اعضای دیاسپورا بسیار ثروتمند هستند، مانع مشارکت داوطلبانه دیاسپورا می‌شود، زیرا خطر رشوت، فساد و اخاذی مطرح می‌گردد. تلاش‌های زیادی باید شود تا از سکتور داوطلبانه، به حیث یک حامی مهم برای ظرفیت‌سازی محلی، حمایت گردد.

## دادخواهی

- به منظور شفافیت، ANDEP باید تعریفی از اصطلاح دادخواهی را شامل سازد.
- جلسات پیگیری برای بررسی پیشرفت در تطبیق ANDEP و درس‌های آموخته‌شده از مشارکت مداوم دیاسپورا حمایت خواهد کرد. در کنار این جلسات، سازمان‌های دیاسپورای افغان باید در جلسات سطح بالای دولتی نیز اشتراک داده شوند تا منافع آنها تضمین گردد.
- دیاسپورا و سازمان‌های دیاسپورای افغان باید خود را با موثریت بیشتری سازمان‌دهی کنند (مثلاً، شبکه‌ها و سازمان‌های چتری).
- فشار بیشتر بر مقامات سفارتخانه‌ها برای مشارکت در جلسات، کنفرانس‌ها و رویدادهای مهم به همراه سازمان‌های دیاسپورای افغان، به تقویت پیام‌های دادخواهی دو جانبه بین دولت افغانستان و دیاسپورا کمک خواهد کرد.



## مشارکت فرهنگی و اجتماعی

- رویدادهای فرهنگی و اجتماعی باید بر چشم انداز نقاط قوت هر گروه قومی تمرکز کنند؛ تنوع و غنای فرهنگی افغانستان باید تقویت یابد.
- نیاز به آن است که در اعضای نسل دوم و سوم دیاسپورا سرمایه گذاری صورت گیرد. این کار می تواند شامل صنوف زبانی و فرهنگی به میزبانی سفارتخانه های افغانستان شود.
- پیام های مثبت از طریق مواد تبلیغاتی، هنر و فیلم در اروپا باید تشویق گردند.

## ملاحظات آغازین

### داکتر عالمه، معین وزارت مهاجرین و عودت کننده گان افغانستان

ورکشاپ با تاکید بر اهمیت دیاسپورا برای دولت افغانستان در سال های اخیر آغاز شد. داکتر عالمه تاکید کرد که «با توجه به این حقیقت که میلیون ها اتباع ما در سراسر جهان پراکنده شده اند، اکنون وقت آن رسیده که افغانستان در جهت خلق شراکتی پایدار و کارآمد در سطحی بالاتر تلاش نماید.» پالیسی ملی افغانستان برای مشارکت دیاسپورا (ANDEP) به شکل مسوده ابتدایی معرفی گردید و به رییس جمهور افغانستان ارائه خواهد شد. این پالیسی برای ده سال در نظر گرفته شده است، ولی به اقتضای شرایط، تغییراتی خواهد دید. ایشان بر اهمیت بازخورد از جانب خود دیاسپورا در تقویت مسوده پالیسی، پیش از آنکه نهایی شود، تاکید ورزید؛ در واقع، هدف اصلی از برگزاری ورکشاپ مشورتی نیز همین بوده است. داکتر عالمه تاکید کرد که «جمعیت دیاسپورای افغان بخشی جدانشدنی از ملت ما هستند. هر عضو دیاسپورای افغان برای همیشه در ملت ما جای خود را دارد و از آنها استقبال می گردد؛ جایی که در آن، احساس وطن را دارند.» پروسه رویداد روز مورد بحث قرار گرفت و بر اهمیت جمع آوری بازخوردهای موثر و سازنده درباره مسوده ANDEP تاکید شد. از اشتراک کننده گان تقاضا شد افکار و تبصره های خود پیرامون پالیسی، استراتژی یا طرز العمل ها را طوری اظهار نمایند که به کمک آنها، بتوان پیشنهادات را به آسانی به چوکات مناسب ارتباط داد و بر اساس اهمیت و ارتباط شان به هر یک از دسته بندی ها مورد بحث گذاشت. بعد از آن، اشتراک کننده گان به چهار گروه کاری تقسیم شدند: انکشاف اقتصادی، ارتقای ظرفیت، دادخواهی و انکشاف اجتماعی و فرهنگی. هر گروه ۴۵ دقیقه وقت داشت تا درباره فرصت ها، چالش ها و پیشنهادهای مربوط به هر موضوع بحث کند. ورکشاپ با بحث و گفتگوی گروهی در مورد نتایج هر گروه کاری خاتمه یافت.

# گروه کاری انکشاف اقتصادی

این گروه کار خود را با بحث در مورد موفقیت‌های اخیر در رابطه با بهبود کلی محیط تجاری در افغانستان آغاز نمود. بطور خاص، چارچوب صلح و توسعه و همچنین شفافیت و کارآمدی و موثرسازی پرونده‌های تجارت و سرمایه‌گذاری در افغانستان به حیث موفقیت‌های روشن دولت افغانستان شناسایی شدند. گروه کاری همچنین پشتیبان ابتکارات محلی بود شامل حمایت از اتاق‌های تجارت و پارک‌های انکشاف صنعتی در ۱۳ ولایت. به لحاظ ادغام اقتصادی منطقی، بهبود و ارتقای دهلیز هوایی نیز به عنوان یک گام مثبت شناسایی گردید. در حالی که در چند سال اخیر پیشرفت‌های مثبتی در افغانستان وجود داشته است، نبود امنیت به حیث یک چالش مهم در برابر انکشاف پایدار اقتصادی در افغانستان شناسایی گردید. نبود امنیت آثار مستقیم و غیرمستقیمی بر دیگر چالش‌های شناسایی شده دارد، به شمول ظرفیت پایین سکتور خصوصی و بطور عموم سطح پایین منابع بشری (مثلاً، تعلیم، مهارت‌های مسلکی). از نظر اشتراک در پیوندهای منطقی یا بین‌المللی، افغانستان در رقابت با همسایگان منطقوی خویش به لحاظ کیفیت سکتور تولیدی و کیفیت محصولات تولیدی نیز با مشکلاتی مواجه است. فقدان اشتراک فعالانه کارمندان سفارتخانه‌های خارج از کشور در جذب سرمایه‌گذاری خارجی در افغانستان نیز به حیث مانعی برای بهبود روابط منطقوی و بین‌المللی شناسایی گردید. در این شرایط، بسیاری از اشتراک‌کننده‌گان احساس کردند که دیاسپورا در رابطه با انکشاف اقتصادی افغانستان با چالش مواجه هستند. اشتراک‌کننده‌گان اظهار داشتند که ارسال مبالغ به افغانستان دشوار است، اگرچه یک میکانیزم مهم برای امنیت و سرمایه‌گذاری اقتصادی در تجارت‌های کوچک برای شهردان معمولی افغانستان می‌باشد. علاوه بر این، دیاسپورا در مجموعه متنوعی از تجارت‌های رسمی و غیررسمی اشتراک دارد؛ برای آنانی که در تجارت‌های غیررسمی مشارکت دارند، مشارکت از طریق کانال‌های معمول و کمک آشکار به انکشاف اقتصادی دشوار است. در آخر، اشتراک‌کننده‌گان اظهار داشتند که برخی از اعضای دیاسپورا - بخصوص جوانان - پول زیادی ندارند، اما معمولاً دارای تحصیلات عالی هستند. به این مفهوم، کمک‌های اقتصادی آنها به افغانستان می‌تواند از طریق انتقال مهارت‌ها و دانش صورت بگیرد و نه بطور مستقیم از طریق سرمایه‌گذاری یا کمک‌های مالی.

این گروه کاری، مجموعه‌ای از پیشنهادات را برای ادامه راه ارائه دادند. یکی از این پیشنهادات، تقویت دیاسپورا در سرمایه‌گذاری برای بهبود شرایط تجارت توسط دولت‌های تمویل‌کننده بود، به شمول سرمایه‌گذاری در تاسیساتی که مشوق انکشاف تجاری خواهند بود (مثلاً، خدمات پلان‌گذاری یا تسهیلات). پیشنهادات بسیاری به موضوع کمپاین‌های آگاهی عامه درباره شرایط تجارت در افغانستان ارتباط داشتند. نخست، گروه کاری پیشنهاد کرد که دولت باید در اتمه‌های تجاری فعال و ماهر در سفارتخانه‌های افغانستان سرمایه‌گذاری کند تا تضمین گردد که اطلاعات صحیح با سرمایه‌گذاران خارجی بالقوه به اشتراک گذاشته می‌شود. مسلکی‌سازی بیش از پیش این موقعیت می‌تواند به تجارت مطلوب‌تر و بهتر و نیز افزایش اعتماد عمومی دیاسپورا در امر سرمایه‌گذاری منجر گردد. این گروه همچنین خاطرنشان ساختند که درباره اوضاع عمومی اقتصادی در افغانستان و پالیسی‌های دولت درباره سرمایه‌گذاری در کشور معلومات و رهنمود کافی موجود نیست. به پیشنهاد این گروه، یک وب‌سایت واحد تحت مدیریت دولت افغانستان کارآمدترین میکانیزم برای تشریح معلومات خواهد بود. این گروه همچنین اظهار داشتند که دولت در شناسایی و تهیه معلومات درباره مبالغ ارسالی و سرمایه‌گذاری دیاسپورا فعالیت چندانی ندارد. در حالی که ثبت مداوم و یکدست معلومات می‌تواند یک گام اولیه مهم باشد، گروه کاری نیز تصدیق نمود که پیگیری مبالغ ارسالی تنها زمانی ممکن است که دولت بتواند انتقال پول را به شیوه‌ای معقول و شفاف تسهیل سازد؛ و به این ترتیب، اعضای دیاسپورا را به استفاده از این خدمات، به جای استفاده از خدمات خصوصی موجود، تشویق نماید.

# گروه کاری ارتقای ظرفیت

بخش ارتقای ظرفیت ANDEP بر تشویق فعالیت دیاسپورا در سه عرصه تمرکز می‌کند: همکاری اعضای باصلاحیت و متقاعدین دیاسپورا؛ حمایت از فاصله دور؛ تسهیل عودت اشخاص مسلکی. به اذعان تسهیل‌کننده این گروه، بخش ارتقای ظرفیت پالیسی حاضر از مسئولیت‌های خاص وزارت کار و امور اجتماعی شمرده می‌شود. درباره اهمیت تمرکز و تاکید بر کمک‌های بالقوه اعضای باصلاحیت دیاسپورا برای توسعه افغانستان، بخصوص در عرصه‌های صحت، تجارت و تعلیم، توافق عمومی وجود داشت. گروه کاری تاکید کرد که چندین مانع برای عودت‌های کوتاه‌مدت و درازمدت اعضای باصلاحیت دیاسپورا به افغانستان وجود دارد. همانطور که در کنفرانس دیاسپورای افغان در اروپا، در ۱۵ دسامبر، تاکید شد، نبود امنیت کماکان یک چالش و محدودیت کلان برای مشارکت سازمان‌های دیاسپورای افغان و همچنین برای افراد باصلاحیت است. این گروه تصدیق نمود که هیچ راه حل ساده‌ای برای این چالش وجود ندارد، اما باید به حیث یک محدودیت عمومی در تطبیق پالیسی شناخته شود. علاوه بر محدودیت‌های محیطی، دو گروه عمده از چالش‌های دیگر نیز شناسایی کرد: دسترسی محدود و نبود امتیازات یا مشوق‌های کافی برای اعضای باصلاحیت دیاسپورا.

درباره دسترسی محدود، گروه کاری تاکید ورزید که اتخاذ یک رویکرد استراتژیک جهت شناسایی اشخاص مسلکی در خارج (از افغانستان) و ارسال پیام‌های مهم و مشخص به آنها موثر خواهد بود، گرچه در حال حاضر معلومات مشخص و مطمئن درباره اعضای باصلاحیت دیاسپورا و همچنین نیازمندی‌های عاجل در داخل کشور برای اشخاص باصلاحیت موجود نیست. گروه پیشنهاد داد که برای شناسایی اشخاص مسلکی، تضمین فرصت‌های کاری در افغانستان (موسسه اکبر نیز به حیث یک پلتفرم بالقوه پیشنهاد شده است)، برنامه‌ریزی مشارکت اعضای جوان دیاسپورا و تشویق آنها برای بازگشت و حمایت موقت، و شاید فراهم آوردن فرصت‌های کارآموزی یا فرصت‌های شغلی موقت برای آن اعضای جوان دیاسپورا که به تازگی فارغ‌التحصیل شده‌اند، می‌تواند از سفارتخانه‌ها استفاده کرد. گروه کاری وقت زیادی را صرف بحث روی این نکته کرد که دیاسپورا، به جز نیاز ذاتی شان برای کمک به وطن، انگیزه دیگری برای بازگشت به افغانستان ندارند. این امر سبب بروز چالش‌های عملی می‌گردد که می‌تواند موثریت این پالیسی را محدود سازد. بطور خاص، این گروه تاکید ورزید که بسیاری از افغان‌ها در اروپا استخدام گردیده‌اند و معاش‌های بسیار بالاتر از شغل مشابه در افغانستان دریافت می‌کنند و در کل، از معیارهای زندگی بهتری برخوردار هستند. این امکانات شامل امتیازات غیرمستقیم هم می‌شود مانند تقاعد، بیمه صحتی و بیمه بیکاری در صورتی که کارشان پایان یابد. چند تن از اشتراک‌کننده‌گان پیشنهاد کردند که دولت افغانستان باید حداقل معاشات برای اعضای باصلاحیت و عودت‌کننده دیاسپورا را تضمین نماید. علاوه بر آن، اشخاص مسلکی متقاعد اغلب نگران وضعیت صحتی خود هستند و نمی‌دانند که آیا امکانات تداوی مناسب در افغانستان را دریافت خواهند کرد یا بیمه مطلوب در افغانستان خواهند داشت که هزینه‌های تداوی را پوشش بدهد؛ هزینه‌هایی که در صورت ماندن در اروپا بر عهده خود او نخواهد بود. گروه خاطر نشان ساخت که این پالیسی یک بسته از امتیازات را برای عودت‌کننده‌گان باصلاحیت در نظر گرفته است، با این حال فاقد جزئیات یا تضمین‌های کافی برای تامین این امتیازات بدون موانع بوروکراتیک است که به همین خاطر، جذابیت خود را برای اعضای باصلاحیت دیاسپورا از دست می‌دهد. نماینده‌گان سازمان‌های دیاسپورا اظهار داشتند که حتی با از میان برداشتن موانع عملی، موانع متعدد اجتماعی در راه بازگشت به افغانستان برای حمایت از پروژه‌ها یا انکشاف وجود دارند، به شمول بدنامی که به دیاسپورا نسبت می‌دهند مبنی بر اینکه وطن خود را رها نموده‌اند. همچنین درک عمومی دیگری هم وجود دارد مبنی بر اینکه همه اعضای دیاسپورا بسیار ثروتمند هستند؛ این درک سبب محدود شدن مشارکت در فعالیت‌های داوطلبانه و امکان رشوت، فساد یا اخاذی می‌شود. به همین منوال، گروه گزارش داد که اعضای دیاسپورا به خاطر نبود شفافیت در پروسه استخدام برای فرصت‌های کاری در افغانستان که می‌تواند به تبعیض یا فساد منجر گردد، احساس ناامیدی می‌کنند.

بطور کل، این گروه کاری چالش‌های زیادی را مطرح ساخت که حل فوری‌شان بسیار دشوار خواهد بود؛ ولی می‌توان از ابتدا و از طریق شفاف‌سازی و تعدیلات و توضیحات بیشتر در ANDEP، آنها را برطرف ساخت (مثلاً، بسته‌های امتیازی، استراتژی دسترسی). یکی از اعضای گروه کاری پیشنهاد کرد که به جای رقابت با اروپا برای اشخاص مسلکی باصلاحیت، دولت افغانستان باید ایجاد و توسعه همکاری‌ها با دانشگاه‌های اروپایی را در نظر بگیرد تا از مراکز تحقیقاتی متمرکز بر ارتقای ظرفیت در افغانستان حمایت کنند. این مراکز می‌توانند معلومات ارزشمندی را تهیه کنند و همچنین امکان دسترسی به دیاسپورا و حمایت عملی تخنیکی برای مشارکت کوتاه و میان‌مدت اشخاص مسلکی را فراهم آورند. گروه پیشنهاد داد که این کار همراه با سرمایه‌گذاری بیشتر در سطح سفارتخانه‌ها برای دسترسی و مشارکت امکان‌پذیر است.



# گروه کاری دادخواهی

در رابطه با شناسایی دادخواهی به حیث یک مسیر استراتژیک مهم ANDEP، دولت افغانستان نقش دیاسپورا را به حیث سفرای غیررسمی افغانستان به رسمیت می‌شناسد. برای تأکید بیشتر بر این شبکه‌ها، ضروری است که ارتباط واضح و روشن بین دولت افغانستان و دیاسپورا برقرار شود و نقش‌ها و مسئولیت‌های هر یک به صورت مشخص تعیین گردد. بعد از بررسی پالیسی، گروه کاری اظهار داشت که تعریف دادخواهی در ANDEP شامل نشده است و اینکه، تضمین فهم مشترک و دوجانبه از اصطلاحات، قبل از پیشبرد پالیسی، ضروری است. صرف نظر از این امر، گروه توانست مباحثات خود را درباره یک فهم کلی نسبت به دادخواهی به پیش ببرد و فرصت‌ها، چالش‌ها و پیشنهادات متعددی را شناسایی کند تا اجندای دادخواهی ANDEP به پیش برود.

گروه کاری تأکید ورزید که جلساتی مانند کنفرانس دیاسپورای افغان در اروپا و این جلسه مشارکت ANDEP نمونه‌هایی از ارتباطات و مشارکت جاری و مداوم است که برای ایجاد اتحاد بین دیاسپورا ضروری هستند و همچنین می‌توانند مسایل مهم مربوط به دادخواهی را شناسایی کنند و آنها را به پیش ببرند. بطور خاص، گروه کاری خاطر نشان ساخت که باید با نشست‌های بعدی به دنبال ANDEP، دیاسپورا را از پیشرفت در تطبیق پالیسی و درس‌های آموخته‌شده باخبر بسازیم و همراه با تکامل زمینه کلی در افغانستان و برای افغان‌ها در اروپا، به شناسایی فرصت‌ها برای مشارکت بهتر دولت - دیاسپورا ادامه بدهیم. همانطور که در قسمت پیشنهادات کنفرانس دیاسپورای افغان در اروپا شناسایی و اشاره شد، روشن است که



برای تضمین فرصت‌های کافی جهت اشتراک سازمان‌های دیاسپورای افغان در جلسات به سطح بالا بین اتحادیه اروپا، دولت افغانستان و دیگر ذینفعان (مثلاً، سازمان ملل، موسسات غیر دولتی بین‌المللی) تلاش بیشتری نیاز است تا تضمین شود که فرصت‌های موثر برای دادخواهی تسهیل شده‌اند. گروه کاری همچنین این توصیه را تکرار نمود که دیاسپورا و سازمان‌های دیاسپورای افغان باید خود را با موثریت بیشتری سازمان‌دهی کنند (مثلاً، شبکه‌ها، سازمان‌های چتری) تا تضمین گردد که کانال‌های ارتباطی و نکات کلیدی دادخواهی در بین همه دیاسپورا یکسان است تا بدینگونه، بهترین نتایج به دست آید. دوباره، این گروه بر نیاز به فرصت‌های آموزشی بین دیاسپورایی با دیاسپوراهایی تاکید ورزید که در دادخواهی برای نیازهای دیاسپورا و کشور خاستگاه خود قوی‌تر و موثرتر بوده‌اند (مثلاً، سوریه و سومالی).

سفارتخانه‌ها به حیث ساختارهای از قبل موجود شناخته شده‌اند که باید از افغان‌های علاقمند دفاع کنند، با این وجود، اشتراک‌کننده‌گان اظهار داشتند که مقامات سفارتخانه‌ها غالباً در نشست‌های مهم، کنفرانس‌ها و فرصت‌های مشارکت مستقیم با سازمان‌های دیاسپورای افغان در مورد مسایل کلیدی دادخواهی غایب هستند و این امر سبب ناامیدی و یاس دیاسپورا از سفارتخانه‌ها گردیده است. گروه کاری دولت افغانستان را تشویق کرد که با وارد آوردن فشار بر مقامات سفارتخانه‌ها، تضمین کنند که آنها وظایف خود را فعالانه انجام می‌دهند و در هر فرصت ممکن، با دیاسپورا همکاری می‌کنند. همچنین آنها برای بالا بردن مسئولیت‌پذیری نمایندگان [سفارتخانه‌ها]، یک کانال جداگانه را توصیه نمودند که در آن، بتوان نمونه‌های عدم حضور یا عدم همکاری در چنین جلسات یا کنفرانس‌ها را ثبت کرد. بعضی از نماینده‌گان دیاسپورا اظهار داشتند که نبود تنوع قومی در برخی از سفارتخانه‌ها، اراده همکاری و مشارکت در موضوعات دادخواهی یا سازمان‌های دیاسپورای را افغان محدود ساخته است و اینکه، کارمندان سفارتخانه‌ها باید از تمام جمعیت افغانستان نمایندگی کنند. در آخر، گروه کاری اظهار داشت که بین سفارتخانه‌های افغانستان و نماینده‌های سیاسی اروپایی ارتباط کافی موجود نیست، مخصوصاً با آن دسته از اعضای دیاسپورای افغان که علاقه خاصی به تضمین تامین حقوق افغان‌ها در اروپا و پیشرفت افغانستان در کل دارند.

## گروه کاری مشارکت فرهنگی و اجتماعی

قبل از آغاز مباحثه و پیش از آنکه به موانع پیش روی مشارکت فرهنگی و اجتماعی پرداخته شود، رهبر گروه به طور مختصر درباره فرهنگ، جامعه و همچنین پالیسی دیاسپورا صحبت کرد. مهم‌ترین نکته‌ای که گروه بر آن تاکید نمود، به اختلافات درون دیاسپورای افغان و در نتیجه نبود اعتماد مربوط می‌شد که در نهایت، به جای همکاری و وحدت سبب اختلاف می‌گردد. به اذعان این گروه، اختلافات بین نسلی و نبود مشارکت مداوم فرهنگی با نسل‌های دوم و سوم اعضای دیاسپورا، ارزش‌های فرهنگی و زبانی‌شان را به خطر انداخته و موجب به وجود آمدن هویت‌های متخاصم و متضاد درون این نسل‌ها می‌شود (مثلاً، هویت افغان در مقابل هویت اروپایی). اشتراک‌کننده‌گان دیگر این گروه اظهار داشتند که این امر یک جنبه مثبت نیز دارد: اختلاف نسلی باعث تشویق غلبه بر اختلافات سنتی قومی و مذهبی در اجتماع شده و ادغام و پیشرفت اجتماع را تسهیل نموده است. در رابطه با موضوع ادغام، چند تن از اشتراک‌کننده‌گان اشاره کردند که یک نگرش و درک عموماً منفی نسبت به افغانستان در بین جامعه میزبان شکل گرفته است که به تبعیض و عدم احترام به فرهنگ افغانستان منجر می‌گردد. گاهی اوقات، این نگرش وقتی تقویت می‌شود که برخی از جوانب فرهنگی افغانستان که در اروپا نامناسب تلقی می‌شوند، توسط بعضی اعضای دیاسپورا تداوم می‌یابند (مثلاً، ازدواج‌های زودهنگام/یا اجباری، برخورد نامناسب با حیوانات).

علیرغم چالش‌های بسیاری که شناسایی شدند، گروه کاری نسبت به ظرفیت دیاسپورا در اروپا احساس مثبت داشتند؛ به شمول مهارت‌ها و تجاربی که سازمان‌های مختلف دیاسپورای افغان کنار هم می‌آورند. به اذعان این گروه، هر چند اختلافات قومی وجود دارند، هر گروه قومی چشم‌انداز و غنای فرهنگی خاص خود را دارد که باید مورد تشویق قرار گیرد. امکان و پتانسیل بالایی برای گسترش همکاری و هماهنگی بین سازمان‌های دیاسپورای افغان وجود دارد تا تنوع قومی خود را به حیث یکی از ویژگی‌های مثبت و مهم افغانستان نشان دهند. به تشخیص این گروه، کنفرانس افغان‌ها در اروپا و همچنین ANDEP فرصت‌های مهمی برای نشان دادن سطح تجدد و ابتکار در اجتماع بودند. چندین توصیه بر نقش فعالی



اشاره داشتند که سفارتخانه‌ها می‌توانند در تسهیل غنای فرهنگی داشته باشند. گروه کاری پیشنهاد داد که سفارتخانه‌ها می‌توانند کورس‌های مجانی زبان مادری برای اعضای علاقه‌مند نسل‌های دوم و سوم دیاسپورا ترتیب دهند و یا برای این کورس‌ها جای تهیه نمایند تا حفظ ظرفیت زبانی نسل‌های بعدی تضمین گردد. این گروه همچنین خاطر نشان ساخت که سفارتخانه‌ها باید در شناسایی اعضای باصلاحیت دیاسپورا پیشگام باشند تا مواد تبلیغاتی و محصولات فرهنگی خود را تهیه کنند. این کار می‌تواند شامل استفاده از تکنولوژی‌های جدید (مثل اپلیکیشن‌های موبایل) باشد که در نتیجه آن، مخاطبان بیشتری در کشورهای میزبان تحت پوشش قرار بگیرد. هر چند ابتکاراتی هستند که دولت افغانستان می‌تواند برعهده بگیرد، اما اشتراک‌کننده‌گان بر مسئولیت فردی اعضای دیاسپورا در قدردانی و حفظ فرهنگ خود نیز تاکید داشتند؛ بطور خاص، اهمیت شکل دادن یک نظر مثبت نسبت به فرهنگ افغانستان در میان اطفال و جوانان نسل دوم و تضمین سهم‌گیری سازمان‌های دیاسپورای افغان در غنای فرهنگی.

## اختتام ورکشاپ

دولت افغانستان از اشتراک‌کننده‌گان به خاطر کمک‌ها و نظرات ارزشمندشان و وقتی که برای کنفرانس تخصیص دادند، اظهار امتنان نمود. این ورکشاپ موفق شد محیط بازی را ایجاد کند که در آن، اعضای علاقه‌مند سازمان‌های دیاسپورای افغان مستقیماً با وزارت مهاجرین و عودت‌کننده‌گان به بحث و گفتگو نشستند. همانطور که در کنفرانس افغان‌ها در اروپا هم تاکید شد، در آینده از فرصت‌های همکاری بین دولت افغانستان و دیاسپورا در اروپا استقبال خواهد شد و مورد تشویق قرار خواهد گرفت تا اینگونه، دیاسپورا بتواند پلتفورمی برای بحث درباره موضوعات مربوط به اجتماعات‌شان داشته باشد.









# آدرس

شورای مهاجرین دنمارک  
مینگو هیدوک، مدیریت واحد جامعه مدنی و مشارکت

بورگیگیت ۱۰.۳

۱۳۰۰ کوپن هیگن دنمارک

تلیفون: +۴۵۳۳۷۳۵۰۵۵

ایمیل آدرس

diaspora@drc.ngo

ویب آدرس

[www.drc.ngo/diaspora](http://www.drc.ngo/diaspora)